

Research Paper

The effect of corporate governance, audit quality and public sector accounting on the financial performance with the approach of neural networks (Case study: Iraq)

Gheyath Jasim Saeed¹, Akbar Zavari Rezaei², Tohid Kazemi³

¹PhD Student of Accounting, Faculty of Economics and Management, Urmia University, Iran | jasmghyath1@gmail.com

²Assistant Professor of Accounting, Faculty of Economics and Management, Urmia University, Iran | a.zavarirezaei@mail.urmia.ac.ir (Corresponding Author)

³Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Al-Zahra University, Iran | t.kazemi@alzahra.ac.ir

Received: 2023/12/28 Accepted: 2024/03/01

Abstract

The purpose of this research is to investigate the impact of corporate governance, audit quality and public sector accounting on the financial performance of Iraqi manufacturing companies and government organizations using monthly data from 2015 to 2022 using machine learning pattern analysis including decision tree, reinforcing gradient, support vector machine (SVM) and artificial neural networks (ANNs). The results show the significant impact of corporate governance, audit quality and public sector accounting on financial performance. The present study shows that larger companies with stronger governance structure have better financial performance, and focusing on the separation of managerial roles and strengthening effective management structures helps to improve the financial performance of companies. The neural network analysis also shows that these factors have a significant impact on transparency and risk management. Therefore, this research re-emphasizes the importance of corporate governance and audit quality as key indicators in increasing operational efficiency and investor confidence. Therefore, it is suggested that managers and policy makers pay attention to these factors as key components to improve financial performance and economic strength. Finally, the current research is known as a solid foundation for ensuring the health and financial stability of companies in the Iraqi economy and can be useful to a wide range of financial stakeholders and investors.

Keywords: Corporate governance, Financial performance, Audit quality, Public sector accounting, Machine learning.

 10.22034/PSAB.2024.193038

تأثیر حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی با رویکرد شبکه‌های عصبی (مورد مطالعه: عراق)

غیاث جاسم سعید^۱، اکبر زواری رضایی^۲، توحید کاظمی^۳

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ایران

jasmghyath1@gmail.com

^۲ استادیار حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ایران

a.zavarirezaei@mail.urmia.ac.ir (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، ایران

t.kazemi@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی اثر حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی شرکت‌های تولیدی و سازمان‌های دولتی عراق با استفاده از داده‌های ماهانه بازه زمانی ۲۰۱۵ الی ۲۰۲۲ با استفاده از تحلیل‌های الگوهای یادگیری ماشین از جمله درخت تصمیم، تقویت گرادیان، ماشین بردار پشتیبانی (SVM) و شبکه‌های عصبی مصنوعی (ANNs) می‌باشد. نتایج نشان‌دهنده تأثیر قابل توجه حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی است. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ‌تر و دارای ساختار حاکمیتی قوی‌تر، نتایج مالی بهتری دارند و تمرکز بر تفکیک نقش‌های مدیریتی و تقویت ساختارهای مدیریتی مؤثر، به بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها کمک می‌کند. همچنین، تحلیل شبکه‌های عصبی حاکی از تأثیر محسوس این عوامل بر شفافیت و مدیریت ریسک است. لذا این پژوهش تأکید مجددی بر اهمیت حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی به عنوان شاخص‌های اصلی در افزایش کارایی عملیاتی و اعتماد سرمایه‌گذاران است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که مدیران و سیاست‌گذاران به این عوامل به عنوان مؤلفه‌های کلیدی برای بهبود عملکرد مالی و استحکام اقتصادی توجه کنند. در نهایت پژوهش حاضر به عنوان یک مبنای محکم برای تضمین سلامت و پایداری مالی شرکت‌ها در اقتصاد عراق شناخته می‌شود و می‌تواند برای طیف وسیعی از ذینفعان مالی و سرمایه‌گذاران، مفید و راهگشا باشد.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، عملکرد مالی، کیفیت حسابرسی، حسابداری بخش عمومی، یادگیری ماشین.

 10.22034/PSAB.2024.193038

۱. مقدمه

در دنیای امروز که نظام‌های اقتصادی با سرعتی شگرف دستخوش دگرگونی‌های پیچیده می‌شوند، توجه به ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی به عنوان عناصر کلیدی و محرک در بهبود عملکرد مالی شرکت‌های تولیدی، حایز اهمیت است (خواجوی و ابراهیمی، ۱۳۹۷). حاکمیت شرکتی به عنوان سیستمی که در آن شرکت‌ها اداره و کنترل می‌شوند، نه تنها می‌تواند به بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها کمک کند بلکه می‌تواند در افزایش شفافیت، کاهش ریسک و بهبود تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری نیز نقش داشته باشد (خجسته و وادی زاده، ۲۰۲۲). لذا با توجه به این امور، لازم است بررسی گردد که ساز و کارهای حاکمیت شرکتی چه تأثیری بر عملکرد مالی شرکت‌ها دارند؛ و اینکه آیا وجود ساختارهای حاکمیت شرکتی قوی و کارآمد می‌تواند به بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها کمک کند یا خیر. در مقابل، کیفیت حسابرسی با ارتقاء اطمینان سرمایه‌گذاران و فراهم‌آوردن اطلاعات دقیق، بنیاد محکمی برای تصمیمات سرمایه‌گذاری ارائه می‌دهد (آسیابی اقدم و همکاران، ۲۰۲۲). کیفیت حسابرسی به عنوان عاملی حیاتی در افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش هزینه‌های نمایندگی شناخته شده است از طرفی دیگر کیفیت حسابرسی از دیگر مؤلفه‌های کلیدی است که می‌تواند اطمینانی برای سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان فراهم آورد (عبدالله و تورسوی، ۲۰۲۳). حسابرسان مستقل و کیفیت بالای حسابرسی، از طریق ارائه ارزیابی‌های دقیق و بی‌طرف از گزارش‌های مالی، به اعتبار و قابلیت اتکای اطلاعات مالی کمک می‌کنند (دوزپرالادی، ۱۹۸۴). این مسأله به نوبه خود سبب افزایش شفافیت و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری می‌شود (زاتونی، ۲۰۱۱). از طرفی دیگر با افزایش رقابت در عرصه تجارت جهانی، کیفیت حسابرسی به یکی از مؤلفه‌های کلیدی در استراتژی‌های حاکمیت شرکتی و تصمیم‌گیری‌های مالی تبدیل شده است (ادرین و اکووم، ۲۰۱۵). گزارش‌های حسابرسی که به طور مستقل و با دقت تهیه می‌شوند، می‌توانند بینش گران‌بهایی به مدیران جهت شناسایی نقاط ضعف و تقویت جنبه‌های قوت عملکردی فراهم آورند و به این ترتیب، به حفظ و تقویت موقعیت رقابتی شرکت در بازار کمک نمایند (همان). توجه به کیفیت حسابرسی به عنوان ابزاری اجتماعی و نظارتی مؤثر، نقش بسزایی در کنترل رفتار مدیریت و بهبود شفافیت مالی دارد که در نهایت به افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری می‌انجامد (عبید، ۲۰۱۶). با توجه به ضرورت حصول به رشد پایدار در عملکرد مالی، درک و ارزیابی تأثیر کیفیت حسابرسی بر عملکرد مالی شرکت‌ها امری بدیهی بنظر می‌رسد (کاواس و همکاران، ۲۰۲۱). با این حال، علی‌رغم پیشینه پژوهشی که بر این اهمیت دلالت می‌دهند، هنوز شکاف‌های موجود در

ادبیات و پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی حول موضوع کیفیت حسابرسی و ارتباط آن با عملکرد شرکت‌ها مشاهده می‌شود. بنابراین، بیان مسئله مورد نظر پژوهش حاضر بر این پایه استوار است که تا چه اندازه کیفیت حسابرسی می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر بر رشد پایدار عملکرد مالی شرکت‌ها عمل کرده و چگونه این عنصر کلیدی می‌تواند به عنوان یک راهبرد تعیین‌کننده در موفقیت شرکت‌ها در بازارهای رقابتی نقش‌آفرینی نماید.

از طرفی دیگر حسابداری بخش عمومی نیز نقشی حیاتی در ایجاد یک چارچوب متعادل برای ارزیابی و گزارش‌دهی عملکرد مالی دارد (اگبودو و آکابوگو، ۲۰۱۸). به همین ترتیب، حسابداری بخش عمومی در ارایه‌ی گزارش‌های مالی معتبر و قابل فهم برای تصمیم‌گیری‌های بهینه اقتصادی نقشی حیاتی‌تر ایفا می‌کند (جمشیدی و همکاران، ۲۰۲۳). لذا با توجه به اینکه در جهان امروزه که به سرعت به سوی ترکیبی از چالش‌های اقتصادی و تحولات نوین مالی پیش می‌رود، نقش حسابداری بخش عمومی و تأثیر آن بر عملکرد مالی شرکت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (بوخروا و همکاران، ۲۰۲۱). حسابداری بخش عمومی که نه تنها در سنجش مدیریت منابع مالی حیاتی و تخصیص بهینه‌ی آن‌ها در راستای هدف‌های کلان اقتصادی، بلکه در تضمین شفافیت و پاسخگویی به ذینفعان متعدد، نقش محوری ایفا می‌کند (مولوردی و همکاران، ۱۴۰۱). گزارش‌های استاندارد حسابداری بخش عمومی که توسط سازمان‌هایی چون IFAC پیاده‌سازی و تدوین می‌شوند، بالقوه می‌توانند به عنوان ابزارهای قدرتمندی برای شفاف‌سازی و ارتقای کیفیت اطلاعات مالی عمل نمایند (غلامی ملک و همکاران، ۱۴۰۱). لذا باید گفت که حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی شرکت‌ها و سازمان‌ها می‌تواند تأثیر مستقیم داشته باشد (همان). استانداردهایی چون IPSAS نه تنها باعث بهبود گزارشگری و مقایسه‌پذیری اطلاعات مالی می‌شوند، بلکه زمینه‌ساز نوسازی سیاست‌های حسابداری دولتی و در نهایت افزایش مسئولیت‌پذیری و کارآمدی در مدیریت عمومی می‌گردند (پولزر و همکاران، ۲۰۲۳). با در نظر گرفتن چنین زمینه‌هایی، پرسش اصلی این است که چگونه حسابداری بخش عمومی می‌تواند بر عملکرد مالی شرکت‌ها تأثیر بگذارد؟ آیا انجام استانداردهای حسابداری بخش عمومی، به ویژه در کشورهایی با منابع محدود از جمله عراق، بستری مناسب برای افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و بهبود شرایط اقتصاد کلی ارائه می‌دهد؟ و چگونه تنظیم، نظارت و گزارش‌دهی مالی دولت‌ها می‌تواند به سیستم مالی شرکت‌ها هم‌راستا و هم‌افزا شود؟ در نهایت در پژوهش حاضر هدف بر آن است که به بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق بپردازیم.

در ادامه، مقاله حاضر چنین ساماندهی شده که ابتدا، ادبیات پژوهش در خصوص حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بیان و پیشینه تجربی مرتبط با آن مرور شده است. بعد از آن، روش‌شناسی پژوهش تشریح، جامعه آماری آن معرفی و داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. در نهایت، یافته‌های پژوهش ارائه و مورد بحث قرار گرفته و برابر نتیجه‌گیری به عمل آمده چند توصیه کاربردی پیشنهاد شده است.

۲. ادبیات نظری و پیشینه تجربی پژوهش

۱.۲. ادبیات نظری

کیفیت حاکمیت شرکت

موضوع حاکمیت شرکتی به عنوان محور مهمی در پژوهش‌های مدیریتی مطرح است، به ویژه پس از وقوع تخلفات و رسوایی‌های مالی که در دهه‌های گذشته نمود پیدا کردند. این مقوله به وضوح نیازمند بهبود در نظارت بر عملکرد مدیریتی شرکت‌ها و تمییز بین مالکیت و اداره امور می‌باشد، با هدف حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و سایر طرف‌های ذی‌نفع. در واقع، حاکمیت شرکتی به مجموعه‌ای از الزامات از جمله روابط و کنترل‌های داخلی یک سازمان، شناخته می‌شود که برقراری این کنترل‌ها از تعدی به حقوق سهامداران عمده و کوچک و نیز اجرای اصول مجامع عمومی را ضمانت می‌نماید. در ادبیات موجود، طرح تعاریف متعددی از حاکمیت شرکتی شده است که به دو دسته‌ی کلی تقسیم‌بندی می‌شوند: تعاریف محدود و تعاریف گسترده. نگاه‌های محدودتری مانند آنچه در گزارش کمیسیون کادبوری (۱۹۹۲) و تئوری نمایندگی پارکینسون (۱۹۹۴) آمده، تمرکز خود را بر روابط بین مالکان و مدیران شرکت قرار داده‌اند. در مقابل، تعاریف گسترده‌تری چون نگاه‌های مورد بحث مگینسون (۱۹۹۴) و رابرت مونکس و نل مینو (۱۹۹۵)، رویکردی جامع‌تر داشته و به مسئولیت شرکت‌ها در برابر کل زنجیره‌ی ذینفعان، از جمله ایفای نقش اجتماعی و محیط زیستی اشاره می‌کنند. با تکیه بر این تنوع تعاریف، حاکمیت شرکتی به عنوان یک متغیر مستقل در پژوهش‌های جدید مالی به شمار می‌رود که بر کیفیت و پایداری نتایج مالی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. پژوهش کیفیت حاکمیت شرکتی، با مرکزیت دادن به این موضوع به عنوان متغیری مؤثر و مستقل، تلاش می‌کند رابطه‌ای معنادار بین اصول حاکمیتی و عملکرد مالی سازمان‌ها را روشن‌سازی کند. تعاریف نهادهای بین‌المللی مثل صندوق بین‌المللی پول (IMF) و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD, 2021) که حاکمیت شرکتی را به عنوان ساختاری برای ترویج بهترین عملکرد رقابتی و دستیابی به اهداف عالی‌تر تعریف کرده‌اند،

نیز در این راستا قرار دارند. بنابراین، ادبیات حاکمیت شرکتی و کیفیت همسو با عملکرد مالی به‌عنوان یک مچ‌اندازی استراتژیک در دنیای کسب‌وکار مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این منظر، ارتقاء حاکمیت شرکتی، به مثابه افزایش کیفیت تصمیم‌گیری‌های مالی و ارزش‌آفرینی برای سرمایه‌گذاران و ذینفعان گسترده‌تر است. در نهایت می‌توان گفت که حاکمیت شرکتی، به‌عنوان یک پارچوب اصولی و قواعدی که نحوه مدیریت و کنترل یک شرکت را تعیین می‌کند، تأثیر قابل توجهی بر عملکرد مالی شرکت‌ها دارد. یک حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند به افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی منجر شود، که این به نوبه خود اعتماد سهامداران و سرمایه‌گذاران را تقویت کرده و باعث جذب سرمایه بیشتر و بهبود دسترسی به منابع مالی می‌شود. به علاوه، حاکمیت شرکتی به وضوح مسئولیت‌ها و حقوق ذینفعان را مشخص می‌کند و از درگیری منافع جلوگیری می‌کند؛ که این ممکن است به کاهش هزینه‌های نمایندگی و افزایش کارایی عملیاتی منجر شود. در نتیجه، شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی قوی‌تری دارند می‌توانند از عملکرد مالی بهتری برخوردار باشند. لذا حاکمیت شرکتی خوب همچنین نقش محوری در مدیریت ریسک دارد. این امر شامل نظارت مؤثر بر فرآیندهای داخلی، ارزیابی‌های ریسک و سیاست‌های چک و بالانس است که از طریق آن‌ها، مدیران ملزم به رعایت استانداردهای عملکردی و اخلاقی می‌شوند. همین موضوع ممکن است به جلوگیری از سوءمدیریت منابع و کاهش در معرض قرار گرفتن شرکت در برابر فرصت‌های مالی بدون پشتوانه کمک کند و در نهایت به بهبود دورنمای بلندمدت مالی شرکت و پایداری مالی کمک کند. بنابراین، حاکمیت شرکتی مطلوب با تأثیرگذاری بر ساختار سرمایه، تخصیص بهینه منابع و تأمین مدیریت ریسک، نقش حیاتی در تحکیم عملکرد مالی شرکت‌ها ایفا می‌کند و به این ترتیب، به‌عنوان یک عنصر استراتژیک در موفقیت بلندمدت سازمان‌ها تلقی می‌گردد.

کیفیت حسابرسی

کیفیت حسابرسی عبارت است از میزانی که در آن حسابرسان توانسته‌اند به انتظارات و نیازهای جامعه استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی پاسخ دهند. این مفهوم بر اساس چهارچوب‌های استانداردهای معتبر حسابرسی و مباحث حرفه‌ای شکل می‌گیرد (دی‌فوند و ژانگ، ۲۰۱۴). بر این اساس، قلمرو اصلی کیفیت حسابرسی، بر صحت و درستی اطلاعات منعکس‌شده در گزارش‌های حسابرسان متمرکز است و اینکه حسابرسان بتوانند به مخاطبان خود اطمینان دهند و موضوعات را با دیدی راهبردی تحلیل کنند تا گزارش‌های ارائه‌شده دقیق و قابل فهم باشد (آقای چادگان

و یداللهی فارسانی، ۱۳۹۸). ثانیاً، خصیصه عدم تعارض منافع، حسابرس را وادار می‌سازد تا در انجام وظایفش، بی‌طرفی و استقلال خویش را حفظ کرده و بدون هیچ گونه درگیری منفعتی عمل نماید (بابایی و کوئینتون، ۲۰۱۱). در وجه سوم، حسابرسان بایستی با تمرکز بر اولویت‌ها و انتظارات مخاطبان، کیفیت خود را در ارائه خدمات حسابرسی حفظ کرده و به بهبود و دقت تصمیم‌گیری‌های مالی کمک کنند (آنا کاتارینا و مارک، ۲۰۲۰). نهایتاً، انجام حسابرسی مطابق با استانداردها اهمیت دارد؛ به عبارت دیگر، حسابرس موظف است که با رعایت استانداردها و قوانین مربوط به حسابرسی، فعالیت‌های خود را به انجام رساند و به نکاتی چون مستندسازی دقیق کار و حفظ دارایی‌های فکری در ارائه خدمات حسابرسی توجه نماید (استفان لوری و همکاران، ۲۰۲۳). علیرغم تعاریف متنوعی که از کیفیت حسابرسی ارائه شده است، اما یکی از مهم‌ترین و پایه‌گذارترین تعاریف را می‌توان تعریف دی آنجلو (۱۹۸۱) دانست، که کیفیت حسابرسی را به‌عنوان ارزیابی بازار که به دو جنبه مهم توجه دارد: اولاً قابلیت کشف تحریفات قابل توجه توسط حسابرس، و ثانیاً گزارش این تحریفات، دانسته‌اند. کشف تحریفات وابسته به دانش فنی حسابرس است، درحالی‌که احتمال گزارش تحریف کشف‌شده به استقلال حسابرس بستگی دارد (محمدرضایی و یعقوب نژاد، ۱۳۹۵). به طور مشابه پالمر (۱۹۸۸) کیفیت حسابرسی را برحسب درجه اعتبار داده‌های حسابرسی تعریف می‌کند، چراکه هدف از حسابرسی، اطمینان‌بخشی به صورت‌های مالی است و به‌همین دلیل، کیفیت حسابرسی در واقع صورت‌های مالی را به کیفیت حسابرسی علاوه بر تعریف‌های ارائه شده، در تعاریف دیگر نیز طرح شده است. به‌عنوان مثال، تیتمن و ترومن (۱۹۸۶) کیفیت حسابرسی را با دقت و صحت اطلاعاتی که به مخاطبان پس از حسابرسی ارائه می‌شود، مرتبط دانسته‌اند، که استنباط می‌کند مخاطبان قادر به استفاده از اطلاعات زبانی و کیفی منعکس‌شده در گزارش‌های حسابرسی برای تصمیم‌گیری‌های مالی خود باشند. این تفسیر از کیفیت حسابرسی، بر ارتباط مستقیم بین قابلیت اتکای صورت‌های مالی حسابرسی شده و کیفیت حسابرسی تأکید دارد (دی‌فاند و ژانگ، ۲۰۱۴). در این راستا، دیویدسون و نیو (۱۹۸۳) نیز تعریف خاصی ارائه کرده‌اند که کیفیت حسابرسی را به توانایی حسابرس در کشف و اصلاح تحریفات مهم، به‌علاوه کشف احتمالی دستکاری در سود خالص پیوند می‌زند. این ارزیابی احتمال تحریف یافته و گزارش‌شده توسط حسابرسان، نهایتاً منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی و بازنمایی دقیق‌تر وضعیت مالی شرکت‌ها خواهد شد (نمازی و اسماعیل پور، ۱۴۰۰). لازم به ذکر است که اذعان به پویایی مفهوم کیفیت حسابرسی امری ضروری است، زیرا کیفیت حسابرسی بر پایه تغییرات بافت محیطی و تکامل استانداردها در طول زمان تکامل می‌یابد و این تکامل به تدریج

به حساب‌رسان اجازه می‌دهد تا گزارش‌های مالی دقیق‌تری ارائه دهند و بدین ترتیب، وضعیت گزارشگری مالی در کل بهبود می‌یابد. در نهایت، توجه به این نکته حیاتی است که کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، به عنوان دو فاکتور کلیدی در ارزیابی شفافیت و دقت در گزارشگری مالی می‌باشند و به طور فزاینده‌ای در سال‌های اخیر تحت مطالعه قرار گرفته‌اند (گینور و همکاران، ۲۰۱۶). به طور کلی می‌توان گفت کیفیت گزارشگری مالی (کیفیت حسابرسی) معیاری برای ارزیابی درجه دقت بازنمایی شرایط اقتصادی و عملکرد یک شرکت توسط صورت‌های مالی آن است؛ در حالی که کیفیت حسابرسی، معیاری برای ارزیابی اطمینان حاصل از مشاهدات کافی و مؤثر حسابرس برای تأیید صورت‌های مالی است (گینور و همکاران، ۲۰۱۶). در نهایت می‌توان گفت که کیفیت حسابرسی به دلیل اینکه بر صحت و دقت بودن اطلاعات مالی منعکس شده در گزارش‌های مالی تأکید دارد، بر عملکرد مالی شرکت‌ها اثرگذار است. حساب‌رسان با ارائه اطمینان نسبت به اطلاعات مالی، به تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران و سایر طرف‌های ذی‌نفع کمک می‌کنند. این افزایش اعتماد می‌تواند منجر به بهبود دسترسی شرکت‌ها به بازارهای سرمایه و کاهش هزینه‌های تأمین مالی شود. همچنین، حسابرسی کیفی می‌تواند باعث شود که مدیران شرکت، تصمیم‌های مالی بهتری اتخاذ کنند، زیرا آنها می‌دانند که جزئیات مالی آنها به درستی مورد بررسی و نظارت قرار گرفته است. علاوه بر این، کیفیت حسابرسی نقش مهمی در پیشگیری و کشف تقلبات و تحریفات احتمالی در گزارشات مالی دارد. حساب‌رسان با استفاده از دانش فنی و رعایت بی‌طرفی و استقلال، قادر به تشخیص و گزارش این تحریفات هستند که این امر می‌تواند از وقوع سوءمدیریت منابع و تأثیرات منفی بر روی ارزش شرکت جلوگیری کند. بدین ترتیب، کیفیت بالای حسابرسی می‌تواند به تحکیم گزارشگری مالی شفاف و افزایش دقت در ارزیابی وضعیت مالی شرکت‌ها منجر شود که به نوبه خود، بر کیفیت تصمیم‌گیری‌های مالی سرمایه‌گذاران و افزایش کارایی بازارهای مالی تأثیر می‌گذارد.

حسابداری بخش عمومی

حسابداری بخش عمومی شاخه‌ای از حسابداری است که به ثبت، تحلیل، خلاصه و گزارشگری عملیات مالی واحدهای دولتی و سایر سازمان‌های غیرانتفاعی وابسته به دولت می‌پردازد. این نوع حسابداری با اندازه‌گیری و حسابرسی مالی از جریان‌های مالی و منابع و مصرف بودجه، به نیازهای اطلاعاتی مدیریت دولتی، نمایندگان مجلس، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، کارکنان و عموم مردم پاسخ می‌گوید (کردستانی و همکاران، ۱۳۹۵). در تعریف وسیع‌تر، حسابداری بخش عمومی

چگونگی جمع‌آوری و به‌کارگیری منابع اقتصادی توسط دولت‌ها را دنبال می‌نماید و شامل تدوین بودجه، توزیع و نظارت بودجه‌ای و ارائه اطلاعات مالی برای تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و اطلاع‌رسانی عمومی است (کاواس و همکاران، ۲۰۲۱). استانداردهای حسابداری بخش عمومی به منظور اطمینان از قابلیت اتکا و مقایسه‌پذیری اطلاعات مالی تدوین و اجرا می‌شوند (غلامی ملک و همکاران، ۱۴۰۱). در اصل حسابداری بخش عمومی، رشته‌ای تخصصی از دانش حسابداری است که به جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر داده‌های مالی و مالیاتی وابسته به ارگان‌های دولتی و بخش‌های عمومی اختصاص دارد (اگبودو و آکابوگو، ۲۰۱۸). هدف مهم این شاخه از حسابداری، تهیه و ارائه اطلاعات مالی موثق و دقیق برای مدیران، مقامات دولتی، مشتریان، و سایر ذی‌نفعان مؤسسات عمومی است (همان). حسابداری بخش دولتی بر پایه اصول استوار حسابداری، مقررات مالیاتی و قوانین مربوط به مالیات در ژئوپلیتیک‌های متفاوت بنا نهاده شده است. این نوع حسابداری شامل فرایندهایی چون ثبت شفاف و مرجع اطلاعات مالی، انجام حسابرسی‌های دقیق، تهیه گزارش‌های مالی و فراهم آوردن منابع بودجه‌ای می‌شود (پولزر و همکاران، ۲۰۲۳). علاوه بر آن، حوزه‌هایی چون مدیریت دارایی‌ها، مدیریت بدهی‌ها، برنامه‌ریزی بودجه و برنامه‌ریزی مالی نیز در زیرمجموعه حسابداری بخش دولتی قرار می‌گیرند. حسابداری بخش عمومی، با بهره‌برداری از اصول حسابداری عمومی و خصوصی، به عین به نیازهای خاص و تکنیکال ساختارهای دولتی و عمومی پاسخ می‌گوید و ضمن ارزیابی اطلاعات مالی، به پیچیدگی‌های ناشی از تعاملات میان بودجه‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی می‌پردازد (همان). در اصل حسابداری حوزه عمومی یکی از شاخه‌های مهم در نظام‌های مدیریت مالی بوده و وظیفه ثبت، تحلیل و گزارش‌دهی امور مالیاتی و اقتصادی دولتی و عمومی را عهده‌دار است. این حوزه به دلیل آنکه با منافع عمومی و منابع دولتی سروکار دارد، ملزم به اعمال دقت و شفافیت خاصی است. اولین ملاحظه در این زمینه، انطباق کامل با قوانین و مقررات در راستای تضمین رهبری و استقامت قانونی است. حسابداری سازمان‌های دولتی موظف است طبق دستورالعمل‌ها و قواعد حسابداری که توسط قوه مقننه تعریف شده، عمل نماید. همچنین، مدیریت مالیاتی، که شامل مواردی چون بررسی و دریافت مالیات‌ها و وضع آنها بر مؤسسات مربوطه است، بر طبق این چهارچوب قانونی صورت می‌پذیرد (کردستانی و همکاران، ۱۳۹۵). دومین مؤلفه، حاکمیت شرکتی است که در زمینه سازمان‌های دولتی منجر به افزایش وظیفه پاسخگویی و مراقبت از منافع عمومی می‌گردد. حسابداری در حوزه عمومی نه تنها شفافیت فرآیندهای مالی را تضمین می‌کند، بلکه به بهبود تصمیم‌گیری‌های استراتژیک کمک شایانی می‌کند که در نهایت به ارتقای اثربخشی و کارآمدی سازمان‌های مربوطه می‌انجامد (عبدالله

و تورسوی، ۲۰۲۳). سوم، موضوع عمومیت گزارش‌دهی است که به حسابداری اجازه می‌دهد تا به صورتی کاملاً شفاف و مفهوم، اطلاعات مالی را برای آحاد جامعه در دسترس قرار دهد. این شفافیت امکان دارد به صورت گزارش‌های دوره‌ای، بودجه‌های سالیانه و یا حتی اطلاعات لحظه‌ای در دسترس باشد، که نهایتاً به افزایش اعتماد عمومی و تضمین بهره‌برداری بهینه از منابع دولتی انجامیده است (قائم‌ی و علوی، ۱۳۹۱). چهارمین نکته‌ی کلیدی، کاربرد اصول و متدولوژی‌های ثابت‌شده حسابداری است. استانداردهای حسابداری عمومی برای تضمین یکدستی و استانداردسازی در فرآیندهای حسابرسی و گزارش‌دهی مالی امری حیاتی هستند. این روش‌ها تضمین می‌کنند که اطلاعات ارائه شده عاری از هرگونه خطا یا سوگیری بوده و بر این اساس، مدیران و ذینفعان مختلف می‌توانند تصمیماتی آگاهانه و مبتنی بر داده‌های دقیق اتخاذ کنند (عبدالله و تورسوی، ۲۰۲۳). پنجم و آخرین مورد، مسئولیت‌داری‌های عمومی می‌باشد که شامل گستره‌ای وسیع از منابع دولتی از قبیل زمین، ساختمان، تجهیزات، ناوگان حمل و نقل و غیره است. حسابداری حوزه عمومی به منظور تضمین استفاده بهینه و نگهداری مؤثر از این دارایی‌ها، نیاز به اعمال یک سیستم دقیق و کارآمد دارد که از کلیه منابع حفاظت کند و به سمت اهداف کلان اقتصادی و اجتماعی دولت پیش رود (همان). در نهایت می‌توان گفت که حسابداری بخش عمومی تأثیر قابل توجهی بر عملکرد مالی شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی دارد، زیرا اولاً به این نهادها کمک می‌کند از دقت اطلاعات مالی و انطباق آن‌ها با استانداردها و مقررات مرتبط اطمینان حاصل نمایند. دوماً، با فراهم‌آوری شفافیت در میزان و نحوه‌ی هزینه‌کرد منابع دولتی، موجب می‌شود تا ذینفعان مختلف از جمله مردم، مدیران و مجامع قانون‌گذاری بتوانند نسبت به میزان موفقیت شرکت‌ها در مدیریت منابع اطمینان یابند. لذا با افزایش پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری از طریق گزارش‌های مالی دقیق و شفاف، حسابداری بخش عمومی به عنوان ابزاری برای بهبود برنامه‌ریزی و نظارت بودجه‌ای و کارایی و اثربخشی بالاتر در هزینه‌های عمومی و دارایی‌های دولت تلقی می‌شود. این ارزیابی‌ها و گزارش‌های مالی دقیق به تقویت اعتماد عمومی و در نهایت به حمایت بیشتر از سوی مردم و تصویب آسان‌تر بودجه‌های پیشنهادی کمک می‌کند. در نتیجه، حسابداری بخش عمومی می‌تواند بر تصمیمات راهبردی شرکت‌های دولتی در ارتباط با مدیریت بودجه و منابع و نیز بر مدیریت ریسک و سیاست‌گذاری‌های کلان مؤثر واقع شود.

۲,۲. پیشینه پژوهش

ادرین و اکووم (۲۰۱۵) در پژوهشی بررسی می‌کند که چگونه حاکمیت شرکتی، عملکرد مالی و کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیجریه تأثیر می‌گذارد. در این راستا، داده‌های ثانویه از Factbook بورس اوراق بهادار نیجریه و همچنین گزارش‌های سالانه و حسابرسی چندین شرکت پذیرفته شده در بورس در یک دوره ۲۴ ساله از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ جمع‌آوری شده است. این پژوهش از رگرسیون لجستیک برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده استفاده کرده است. یافته‌های تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که مالکیت غیر اجرایی دارای امکانی برای افزایش کیفیت حسابرسی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اندازه شرکت، سطح بدهی، سودآوری و همچنین چندگانگی مدیرعامل عوامل مهمی هستند که کیفیت حسابرسی در نیجریه را تعیین می‌کنند. همچنین بر اساس نتایج پژوهش مشاهده می‌شود که بین حاکمیت شرکتی، عملکرد مالی و کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در نیجریه رابطه‌ای وجود دارد. به‌عنوان نتیجه‌گیری از این یافته‌ها، توصیه شده است که مدیران سازمان‌ها رعایت صورت‌های بهترین عملکرد مرتبط با حاکمیت شرکتی را رعایت کنند زیرا این موضوع به‌طور قابل توجهی در بهبود حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت‌ها و به‌تبع آن کیفیت حسابرسی در نیجریه به کمک خواهد آمد.

عبید (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای به بررسی این مسئله می‌پردازد که آیا به‌کارگیری استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IFRS) منجر به بهبود کیفیت حسابداری در مصر شده است. به‌ویژه، این مطالعه به بررسی مدیریت درآمد (اقدامی که برای ارزیابی کیفیت حسابداری استفاده می‌شود) می‌پردازد. این مطالعه پیروان مدیریت درآمد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس مصر قبل (۲۰۰۰-۲۰۰۶) و بعد (۲۰۰۷-۲۰۰۹) از به‌کارگیری استانداردهای حسابداری بین‌المللی را مقایسه کرده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که کیفیت حسابداری، اندازه‌گیری شده توسط مدیریت درآمد، در دوره پسا-به‌کارگیری نسبت به دوره پیشا-به‌کارگیری کاهش یافته است. استانداردهای حسابداری بین‌المللی برای ارائه گزارشگری مالی با کیفیت بالا تدوین شده‌اند. با این حال، این هدف تنها با ضرورت رعایت قوانین و مقررات قابل دستورالعمل نیست. قوانین حسابداری یک بخش تکمیلی از سامانه نهادی کشور است. در دوره پسا-به‌کارگیری استانداردهای حسابداری بین‌المللی، بهبودهای نهادی موردنیاز توسط دولت مصر صورت نگرفته است. دولت مصر در آن دوره سامانه اجرایی مؤثرتری، مقررات تأمین مالکانه الزامی، مکانیزم‌های حفاظت سرمایه‌گذاران و آگاهی نهادی کافی درباره استانداردهای حسابداری بین‌المللی معرفی نموده است. بنابراین، حتی اگر استانداردهای حسابداری بین‌المللی بهترین استانداردهای کیفیت را داشته باشند، ویژگی‌های

نهادی بازار مصر می‌توانند هر بهبودی در کیفیت حسابداری ناشی از به‌کارگیری استانداردهای حسابداری بین‌المللی را از بین ببرند. نتایج مطالعه با پژوهش‌های قبلی سازگار هستند که نشان می‌دهد به‌کارگیری استانداردهای حسابداری بین‌المللی، که به‌طور عمومی با کیفیت بالاتری نسبت به استانداردهای داخلی مورد ادراک است، لزوماً منجر به کیفیت حسابداری بالاتر در کشورهای قانون کد مانند مصر نمی‌شود.

آگبودو و آکابوگو (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر عملکرد شرکتی بانک‌های انتخاب شده در نیجریه پرداختند. در این پژوهش به دلیل عدم توانایی حسابرسی در جلوگیری از وقوع تقلب و اظهارات نادرست مهم در گزارش‌های مالی بانک‌ها تحریک شد. بنابراین، هدف این مطالعه ارزیابی تأثیر کیفیت حسابرسی بر عملکرد شرکتی بانک‌های انتخاب شده در نیجریه است. به‌طور خاص، این مطالعه تأثیر اندازه شرکت حسابرسی بر بازگشت سرمایه شرکتی بانک‌های نیجریه را بررسی کرد؛ همچنین تأثیر استقلال کمیته حسابرسی بر بازگشت سرمایه شرکتی بانک‌های نیجریه را تعیین و تأثیر اندازه کمیته حسابرسی بر حاشیه سود بانک‌های نیجریه را مشخص کرد. سه سؤال پژوهشی و فرضیه در خط مقدم این مطالعه مطابق با اهداف آن تعریف شده است. جمعیت مطالعه شامل شانزده بانک سپرده‌گذاری معرفی شده در بورس اوراق بهادار نیجریه است. داده‌های مورد نیاز برای مطالعه از گزارش‌های مالی بانک‌ها از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ استخراج شده و با استفاده از ابزار آماری رگرسیون و با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ آزمون شده است. بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، مطالعه نشان داد که اندازه شرکت حسابرسی تأثیر قابل توجهی بر بازگشت سرمایه شرکتی بانک‌های نیجریه دارد؛ همچنین استقلال کمیته حسابرسی تأثیر قابل توجهی بر بازگشت سرمایه شرکتی بانک‌های نیجریه دارد. یکی دیگر از یافته‌ها این است که اندازه کمیته حسابرسی به‌طور قابل توجهی بر حاشیه سود بانک‌های نیجریه تأثیر دارد.

بالداو و نوملا (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی کیفیت حسابرسی و حاکمیت شرکتی به عنوان عوامل تعیین‌کننده عملکرد بانک‌ها پرداختند. در این پژوهش به علت وقوع بسیاری از فسادهای شرکتی، بحث درباره تأثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش شرکت و نقش تنظیم‌کننده حکومت شرکتی در این رابطه برجسته شده است. به همین دلیل، این مطالعه تأثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش شرکت و نحوه تنظیم‌کنندگی حکومت شرکتی در این رابطه را بررسی کرده است. در این مطالعه، گزارش‌های سالانه ۳۶ بانک غنایی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ استفاده شده است. برای تخمین روابط، از مدل رگرسیون تصادفی استفاده شد. نتایج نشان داد که کیفیت حسابرسی تأثیر مثبتی بر ارزش

یک شرکت دارد. بنابراین، درگیری با خدمات شرکت‌های حسابرسی بزرگ (Big 4) به افزایش ارزش شرکت‌ها کمک می‌کند. علاوه بر این، وجود حکومت شرکتی مؤثر رابطه بین کیفیت حسابرسی و ارزش شرکت‌ها را تقویت می‌کند. بنابراین، حکومت شرکتی تسهیل‌کننده‌ای برای تنظیم بهتر رابطه بین کیفیت حسابرسی و ارزش شرکت‌ها است. در حالی که الاحدال و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی بیان داشتند که حکومت شرکتی نقش حیاتی در ایجاد فرهنگ شرکتی از نظر هوشیاری، شفافیت و بازگشت‌پذیری دارد. در این زمینه، این مقاله یک دیدگاه مختصر درباره زمینه‌های مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در هند و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC)، سیستم قانونی شرکتی و سیاست‌های نظارتی تعیین شده توسط دولت‌های هند و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس ارائه می‌دهد. علاوه بر این، تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌های بورسی هند و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این مطالعه از نمونه‌ای تشکیل شده است که شامل ۵۳ شرکت غیرمالی بورسی از هند و ۵۳ شرکت غیرمالی بورسی از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای دوره ۲۰۰۹-۲۰۱۶ می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که مسئولیت هیئت مدیره (BA) و کمیته حسابرسی (AC) تأثیر معناداری بر عملکرد شرکت‌ها به ازای بازده حقوق صاحبان سهام شرکت و کیوتوبین ندارد. به طور مشابه، شفافیت و افشای اطلاعات (TD) تأثیر منفی معناداری بر عملکرد شرکت‌ها به ازای کیوتوبین ندارد. علاوه بر این، نتایجی که با استفاده از متغیر کشور به دست آمده است نشان می‌دهد که شرکت‌های هندی در مقایسه با شرکت‌های کشورهای خلیج فارس در زمینه تمرکز بر حکومت شرکتی و عملکرد مالی عملکرد بهتری دارند. مطالعه حاضر به عنوان پایه‌ای برای پژوهش‌ها و مطالعات بیشتر، به ویژه درباره شرکت‌های هند و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در زمینه حکومت شرکتی و عملکرد مالی مورد توجه قرار می‌گیرد.

کاواس و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی (تخصص هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و عملکرد نقش هیئت مدیره)، کیفیت حسابرسی داخلی و کیفیت گزارشگری مالی در مؤسسات مالی اوگاندا پرداخته‌اند. طرح پژوهش مورد استفاده، مقطعی و همبستگی است و داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ای که برای مدیران ارشد مالی، حسابداران ارشد و مدیران حسابرسی داخلی مؤسسات مالی در اوگاندا اجرا شد، جمع‌آوری شد. داده‌ها با استفاده از بسته آماری علوم اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تخصص هیئت مدیره و عملکرد نقش هیئت مدیره با کیفیت گزارشگری مالی ارتباط مثبت معناداری دارد. علاوه بر این، کیفیت حسابرسی داخلی به طور قابل توجهی با کیفیت گزارشگری

مالی مرتبط است. با این حال، استقلال هیئت مدیره تأثیر قابل توجهی بر کیفیت گزارشگری مالی ندارد. این مطالعه به درک عوامل مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی در مؤسسات مالی اوگاندا کمک می‌کند. از ویژگی‌های کیفی صورت‌های مالی به عنوان معیارهای کیفیت گزارشگری مالی با تمرکز بر چارچوب مفهومی توسعه یافته توسط هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی استفاده می‌کند.

عبدالله و تورسوی (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت در آلمان می‌پردازد؛ به‌ویژه بر شرکت‌های غیرمالی فهرست‌شده در بورس اوراق بهادار فرانکفورت از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸ تمرکز می‌کند. محققان عملکرد شرکت را با استفاده از داده‌های حسابداری، به‌ویژه ROA (بازده دارایی) و ROE (بازده حقوق صاحبان سهام) اندازه‌گیری می‌کنند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که برخی از ویژگی‌های کمیته حسابرسی و هیئت مدیره تأثیر معنادار و منفی بر عملکرد مالی شرکت دارد. به طور خاص، این مطالعه نشان می‌دهد که دوگانگی مدیرعامل اثر آماری معنی داری بر عملکرد شرکت ندارد. بعلاوه، اندازه هیئت مدیره بزرگ می‌تواند منجر به تأخیر در تصمیم‌گیری شود، به خصوص در سیستم حاکمیت شرکتی تحت کنترل خودی که در آلمان رایج است. این مطالعه همچنین تأثیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را در سال ۲۰۰۵ بر عملکرد شرکت بررسی می‌کند. نتایج حاکی از آن است که پذیرش استانداردهای حسابداری بین‌المللی تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت دارد. این مطالعه به بحث در حال انجام در مورد رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت کمک می‌کند و بینش‌هایی را به زمینه آلمان اضافه می‌کند.

در نهایت با توجه به این که در زمینه تأثیر حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار عراق، ناشی از اهمیت اصلاحات اقتصادی و توسعه پایدار در یک کشور با تاریخچه‌ای از بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی است؛ انجام این پژوهش‌ها می‌تواند در افزایش شفافیت و اعتماد در بازار سرمایه عراق کمک رسانده و مبنایی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های جهانی و بهبود محیط کسب و کار ایجاد نماید. علاوه بر این، با بهبود کیفیت حسابرسی و استانداردهای روش‌های حسابداری بخش عمومی، مبنایی برای کاهش فساد مالی و افزایش پاسخگویی فراهم آمده و این امر به تقویت پایه‌های اقتصادی و افزایش کارایی عملکرد شرکت‌ها منجر خواهد شد. همچنین با اتکا به این مؤلفه‌ها، شرکت‌ها می‌توانند در حین مواجهه با چالش‌های مالی و تغییرات دینامیک در بازار، پایداری و رقابت‌پذیری خود را بهبود بخشند. این پژوهش‌ها دارای اهمیت مضاعفی است زیرا به شناخت روابط و تأثیرات بین عملکرد

مالی شرکت‌ها و عوامل مؤثر بر آن کمک کرده و درک بهتری از پیچیدگی‌ها و نیازهای بازار مالی فعلی عراق به سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران اقتصادی ارائه می‌دهد. از طرفی دیگر با توجه به بررسی‌های صورت گرفته از ادبیات نظری و پیشینه پژوهش مشاهده می‌گردد در رابطه با موضوع پژوهش حاضر، پژوهشی که مستقیماً به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس عراق پرداخته باشد وجود نداشته و یا بسیار اندک است که این مطالعه به بررسی این شکاف پژوهشی می‌پردازد.

۳. روش پژوهش

در مطالعه حاضر، مدل‌های پژوهش به شرح زیر نیز خواهد بود که در ادامه به تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش نیز خواهیم پرداخت:

$$ROE_{it} = f(\beta_1 GCQ_{it} + \beta_2 AUD_{it} + \beta_3 IPSAS_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 IOP_{it} + \beta_7 DUAL_{it}) \quad (1)$$

$$ROA_{it} = f(\beta_1 GCQ_{it} + \beta_2 AUD_{it} + \beta_3 IPSAS_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 IOP_{it} + \beta_7 DUAL_{it}) \quad (2)$$

که در روابط بالا:

ROA_{it} : بیانگر استفاده بهینه از دارایی‌های شرکت، به عنوان بیانگر عملکرد مالی شرکت می‌باشد؛

ROE_{it} : بیانگر بازده حقوق صاحبان سهام شرکت، که بیانگر عملکرد مالی شرکت می‌باشد.

GCQ_{it} : بیانگر کیفیت حاکمیت شرکتی؛ AUD_{it} : نمایانگر کیفیت حسابرسی؛

$IPSAS_{it}$: نشان دهنده حسابداری بخش عمومی؛ $SIZE$: اندازه شرکت؛ LEV : اهرم مالی؛

IOP : فرصت‌های سرمایه‌گذاری؛ $DUAL$: دوگانگی مسئولیت مدیرعامل می‌باشد.

• متغیر وابسته

در این مطالعه هم‌راستای مطالعات پناچی (۲۰۲۱) از بازده حقوق صاحبان سهام به عنوان معیار عملکرد مالی شرکت‌ها استفاده می‌کنیم. در همین حال، یک متغیر دیگر به نام بازده دارایی نیز اضافه می‌کنیم. دلیل انتخاب این متغیرها به عنوان شاخص عملکرد شرکت، عینیت آنها در پژوهش‌های تجربی است در نتیجه معیار عملکرد مالی در این پژوهش به دو صورت مورد استفاده قرار می‌گیرد که نحوه محاسبه آنها به شرح زیر خواهد بود:

$$ROA = \frac{Net\ income}{total\ assets} * 100 \quad and \quad ROE = \frac{Net\ income}{Total\ equity}$$

لذا باید گفت که بر اساس مطالعات صورت گرفته قبلی، از این دو متغیر به عنوان معیاری برای نشان دادن عملکرد مالی شرکت‌ها استفاده شده است که داده‌های مربوط به این دو متغیر را از وبسایت بانک مرکزی عراق، وبسایت بانک جهانی و وبسایت اداره پول و ثبات اقتصادی بدست آمده است.

• متغیرهای مستقل

متغیر حاکمیت شرکتی (CGQ)

در مطالعه حاضر هم‌راستای مطالعات گرایلی (۱۳۹۴)، دانرو و کیم (۲۰۰۵)، براون و کی‌لر (۲۰۰۶)، جیانگ و همکاران (۲۰۰۸) و واورو (۲۰۱۴) در ابتدا یک لیستی مرتبط با حاکمیت شرکتی که با زمینه‌ی گزارشگری عراق سازگار است، تهیه می‌گردد، سپس به منظور عملیاتی نمودن شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی از روش کدگذاری و امتیاز دهی استفاده شده است. بر اساس این روش، به هر یک از مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی، امتیاز صفر و یا یک (با توجه به تعریف عملیاتی آنها) اختصاص یافته و از جمع زدن این امتیازها، نمره مربوط به امتیاز حاکمیت شرکتی برای هر شرکت در هر سال محاسبه می‌گردد. به طوری که نمره بیشتر برای این شاخص، نشان دهنده حاکمیت شرکتی کارتر و نمره کمتر برای شاخص مزبور، بیانگر حاکمیت شرکتی ضعیف‌تر می‌باشد که مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی و تعریف عملیاتی آنها به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. تعریف عملیاتی و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی

تعریف عملیاتی	نام مؤلفه
بیشتر بودن نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضا از میانگین نسبت محاسبه شده برای کل شرکت‌ها، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک	اعضای غیرموظف در هیئت مدیره
عدم تفکیک نقش مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	تفکیک نقش هیئت مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره
تغییر مدیرعامل در دو سال گذشته، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	ثبات مدیرعامل
عدم استفاده از متخصص حسابداری و مالی در هیئت مدیره، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	استفاده از متخصص حسابداری و مالی
مؤلف بودن رئیس هیئت مدیره، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	غیرموظف بودن رئیس هیئت مدیره

تعریف عملیاتی	نام مؤلفه
عدم وجود کمیته حسابرسی متشکل از اعضای غیر مؤلف هیئت مدیره، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	کمیته حسابرسی
عدم اشاره به تعداد جلسات هیئت مدیره در گزارش سالانه شرکت، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	تعداد جلسات هیئت مدیره
عدم وجود سهامداران دارای حق کنترل، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	وجود سهامداران دارای حق کنترل
بیشتر بودن درصد سهام شناور آزاد شرکت از میانگین سهام شناور آزاد کل، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	تمرکز مالکیت
عدم اشاره به ساختار مالکیت در گزارش سالانه شرکت، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	ساختار مالکیت
بیشتر بودن نسبت معامله با اشخاص وابسته به فروش شرکت از میانگین کل شرکت‌ها، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	معاملات با اشخاص وابسته
کمتر بودن درصد مالکیت دولت در شرکت از میانگین درصد کل شرکت‌ها، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	سهامداری دولت
در صورت عدم وجود وبسایت اینترنتی برای افشای اطلاعات شرکت عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	وجود وبسایت اینترنتی
شرکت‌هایی که امتیاز اطلاع‌رسانی آن‌ها کمتر از ۵۰ باشد عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	زمان‌بندی تهیه اطلاعات
شرکت‌هایی که دارای تعدیلات سنوایی هستند عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	قابلیت اتکای اطلاعات
شرکت‌هایی که اظهارنظر غیرمقبول از حسابرس دریافت کردند عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	نوع اظهارنظر حسابرس
عدم اشاره به برنامه‌های آتی شرکت در گزارشات سالانه عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	برنامه‌های آتی
عدم اشاره به وضعیت استخدام و اشتغال کارکنان عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.	گزارش استخدام و اشتغال

کیفیت حسابرسی (AUD)

به منظور اندازه‌گیری شاخص کیفیت حسابرسی، مؤسسات حسابرسی به دو گروه مؤسسات بزرگ و مؤسسات کوچک طبقه‌بندی شده‌اند. مؤسسه بزرگ در این پژوهش سازمان حسابرسی و مؤسسه

کوچک، مؤسسات خصوصی حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی می‌باشند. بدین ترتیب اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد، به عنوان مؤسسه حسابرسی بزرگ و با کیفیت بالا محسوب شده و به آن شرکت عدد ۱ و در غیر این صورت به آن عدد صفر اختصاص می‌یابد. مبنای نظری انتخاب این متغیر آن است که در پژوهش‌های قبلی نشان داده شده است که اندازه مؤسسات حسابرسی رابطه مستقیمی با کیفیت کار آنها دارند. زیرا مؤسسات حسابرسی بزرگ، حسابرسان با تجربه‌تر و سیستم نظارتی بهتری در اختیار دارند و حاضر نیستند تا شهرت خود را در مقابل کیفیت پایین حسابرسی از دست دهند. لذا، بر مبنای این استدلال هر چه اندازه مؤسسات حسابرسی بزرگتر باشد، کیفیت اطلاعات شرکت‌هایی که حسابرسی می‌شوند بالاتر است. از این روش اندازه‌گیری، در بسیاری از مطالعات داخلی انجام شده نظیر بنی مهد (۱۳۹۱)، نمازی و همکاران (۱۳۹۰) و ثقفی و معتمدی فاضل (۱۳۹۰) نیز استفاده شده است.

حسابداری بخش عمومی (IPSAS)

IPSAS: نماد بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی است که در این مطالعه هم‌راستای مطالعات پورحسینی حصار و همکاران (۱۴۰۰) از حسابداری بخش عمومی استفاده خواهد شد. لذا بر اساس وضعیت پیاده‌سازی آن استانداردها در هر کشور دارای دو کد، یک یعنی بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی و صفر یعنی عدم بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی می‌باشد.

• متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): در پژوهش حاضر همانند پژوهش‌های چو و کیم (۲۰۰۳)، عارف و همکاران (۲۰۰۷) و واورو (۲۰۱۴) از لگاریتم طبیعی خالص فروش، جهت سنجش اندازه شرکت استفاده می‌گردد.

اهرم مالی (LEV): در این پژوهش مشابه با مطالعات تجربی دانرو و کیم (۲۰۰۵) و واورو (۲۰۱۴) برای سنجش اهرم مالی، از نسبت بدهی که از تقسیم مجموع بدهی بر ارزش دفتری دارایی‌های شرکت محاسبه می‌گردد، استفاده شده است.

فرصت‌های سرمایه‌گذاری (IOP): فرصت‌های سرمایه‌گذاری یک متغیر غیرقابل مشاهده بوده که تاکنون معیار واحدی در خصوص سنجش آن ارائه نشده است. با این حال، در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری فرصت‌های سرمایه‌گذاری به پیروی از مطالعه عارف و همکاران (۲۰۰۷) و واورو (۲۰۱۴) از نسبت مخارج سرمایه‌ای به کل دارایی‌های شرکت، استفاده شده است.

دوگانگی مسئولیت مدیرعامل (DUAL): اگر مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیأت مدیره نیز باشد، به این وضعیت، دوگانگی مدیرعامل گفته می‌شود و در این حالت مدیرعامل اختیارات بیشتری دارد. لذا در این پژوهش، این که مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیأت مدیره هم باشد یا خیر به عنوان یک متغیر کنترلی پژوهش در نظر گرفته شده است. در صورتی که در شرکتی مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیأت مدیره باشد در این صورت عدد ۱ به آن داده خواهد شد در غیر این صورت عدد صفر به آن داده خواهد شد. در نهایت این مطالعه از داده‌های ماهانه طی دوره زمانی ۲۰۱۵ الی ۲۰۲۲ استفاده شده است که برای این منظور، از آمارهای منتشر شده از پایگاه‌های اطلاعاتی بورس عراق استفاده خواهد شد که از وبسایت‌های زیر برای استخراج داده‌های مالی مربوط به اطلاعات ۴۶ شرکت تولیدی و سازمان‌های دولتی استفاده شده است.

https://feas.org/users/iraq-stock-exchange_test/

<https://www.investing.com/equities/iraq>

<https://www.zawya.com>

<https://english.mubasher.info/>

۴. یافته‌های پژوهش

در آمار توصیفی به وضعیت داده‌ها با شاخص‌های مرکزی پرداخته می‌شود. جدول ۲ وضعیت متغیرهای پژوهش را از حیث شاخص‌های آمار توصیفی نشان می‌دهد:

جدول ۲. آمار توصیفی

متغیرهای پژوهش	میان	میانگین	حداکثر	حداقل	جارج- معنی داری
بازده دارایی‌های	۲۸/۹۷۵	۲۱/۱۶۵	۹۵/۶۹	۱۰/۱	۰/۰۰۰
بازده حقوق صاحبان سهام	۵۹/۳۹۲	۶۱/۶۵	۹۰/۸	۱۰	۰/۰۰۰
حاکمیت شرکتی	۷/۰۳۸	۷	۱۹	۰	۰/۰۰۰
کیفیت حسابرسی	۰/۷۱۴	۱	۱	۰	۰/۰۰۰
حسابداری بخش عمومی	۰/۶۳	۱	۱	۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۲/۱۸۹	۲/۲	۲/۳۹۷	۱/۸۹۱	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۶۳/۱۶۹	۶۷	۸۸	۰	۰/۰۰۰

معنی داری	چارک- بر	حداقل	حداکثر	میانگین	میانه	متغیرهای پژوهش
۰/۰۰۰	۳۶/۷۴۴	۳۷/۸	۹۱/۱	۷۴/۲	۶۹/۵۹۷	فرصت‌های سرمایه‌گذاری
۰/۰۰۰	۵۹/۴۰۱	۰	۱	۱	۰/۶۶۸	دوگانگی مسئولیت مدیرعامل

با توجه به نتایج درج گردیده در جدول ۲ که نمایانگر آمار توصیفی متغیرهای پژوهش می‌باشد، مشاهده می‌شود که تمامی متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال نمی‌باشند. به عبارتی دیگر با توجه به احتمال آماره چارک-بر، برای متغیرهای پژوهش که همگی بسیار کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد بیانگر رد فرضیه صفر آزمون چارک-بر می‌باشد. که این بدان معناست که متغیرهای پژوهش عدم توزیع نرمال دارند که در ادامه پژوهش با توجه به نرمال نبودن داده‌های پژوهش از روش آمارهای ناپارامتریک برای بررسی و پژوهش نیز استفاده خواهد شد. در این پژوهش از روش پژوهش یادگیری ماشین برای بررسی ارتباط بین تأثیر حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس عراق استفاده خواهد شد. لذا برای آن که بتوانیم به بررسی پژوهش خود در خصوص تأثیر حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس عراق بپردازیم باید ابتدا به بررسی ریشه واحد متغیرهای پژوهش پرداخته شود که نتایج تحلیلی آن غیرکاذب باشد. بنابراین در این مطالعه ابتدا از آزمون‌های لوین، لین و چو، ایم-پسران، دیکی فولر تعمیم یافته و آزمون ریشه واحد فیشر برای بررسی ایستایی داده‌های پژوهش و سپس از آزمون کائو برای بررسی آزمون ریشه واحد کلی استفاده شده است که نتایج آن به شرح جدول ۳ می‌باشد.

جدول ۳. پایایی داده‌های پژوهش

PP		ADF		Im, Pesaran		Levin, Lin & Chu t		متغیرهای پژوهش
معنی داری	آماره	معنی داری	آماره	معنی داری	آماره	معنی داری	آماره	
۰/۰۰۰	۱۶۷/۶۲۰	۰/۰۰۳	۱۳۲/۲۲۱	۰/۰۰۰	-۱/۴۴۱	۰/۰۰۰	-۱۱/۴۷۸	ROA
۰/۰۰۰	۳۳۳/۴۲۱	۰/۰۰۰	۱۱۰/۱۰۳	۰/۰۰۰	-۱/۳۶۵	۰/۰۰۰	-۲/۵۹۶	ROE
۰/۰۰۰	۱۷۴/۳۹۲	۰/۰۰۰	۹۷/۶۷۷	۰/۰۰۰	۰/۵۱۶	۰/۰۰۰	۱/۹۰۴	GCQ
۰/۰۰۰	۱۸۵/۹۱۷	۰/۰۰۰	۵۹/۰۹۳	۰/۰۰۰	-۰/۸۸۹	۰/۰۰۰	۱/۱۶۳	AUD
۰/۰۰۰	۱۴۵/۲۱۴	۰/۰۰۰	۳۳/۷۸۳	۰/۰۰۰	۰/۸۱۶	۰/۰۰۰	۵/۲E+۱۵	IPSAS
۰/۰۰۰	۲۴۲/۵۲۹	۰/۰۰۰	۱۳۹/۴۸۰	۰/۰۰۰	-۲/۴۸۵	۰/۰۰۰	-۱۳/۰۲۸	SIZE
۰/۰۰۰	۴۳۱/۶۰۷	۰/۰۰۰	۱۴۸/۶۶۳	۰/۰۰۰	-۳/۱۵۸	۰/۰۰۰	-۵/۰۱۸	LEV
۰/۰۰۰	۲۶۱/۵۶۵	۰/۰۰۰	۱۴۳/۴۹۸	۰/۰۰۰	-۲/۵۸۱	۰/۰۰۰	-6.785	IOP
۰/۰۰۰	۶۱/۹۴۶	۰/۰۰۰	۲۴/۴۲۳	۰/۰۰۰	۰/۲۳۳	۰/۰۰۰	۱/۵E+۱۵	DUAL
آزمون کائو								
T-Statistic= -۰/۳۲۱				Prob= ۰/۰۰۰				

با استناد به نتایج جدول ۳ قابل ذکر است که در ابتدا آزمون‌های ریشه واحد لوین، لین و چو، دیکی فولر تعمیم یافته، ایم-پسران و فیشر برای تک تک متغیرهای پژوهش صورت گرفته است و با توجه به این که احتمال همه‌ی آزمون‌های صورت گرفته کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد در این صورت نتیجه گرفته می‌شود که داده‌های پژوهش دارای ریشه واحد نبوده، در مرحله‌ی بعدی، آزمون ریشه واحد کلی صورت گرفته است، لذا بر اساس نتایج آزمون کائو مشاهده می‌شود که تمامی متغیرهای پژوهش فاقد ریشه واحد بوده و ارتباط بلندمدت آن‌ها نیز قابل تأیید می‌باشد. در نهایت پس از آن که پایایی داده‌های پژوهش مشخص گردید، به بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش با استفاده از همبستگی بین متغیرهای پژوهش پرداخته شده است که مقادیر همبستگی و احتمالات مربوط به رابطه متغیرهای مورد بررسی در پژوهش را نشان می‌دهد. همبستگی بین متغیرهای پژوهش بیان می‌کند که چگونه دو متغیر با یکدیگر ارتباط دارند. اگر مقدار همبستگی نزدیک به ۱ یا -۱ باشد، نشان‌دهنده رابطه‌ای قوی است و اگر نزدیک به صفر باشد، نشان‌دهنده نبود یا ضعف رابطه است. احتمال مربوط به آزمون فرض است که نشان می‌دهد آیا رابطه معنادار است

یا خیر. معمولاً اگر این مقدار کمتر از ۰,۰۵ باشد، می‌توان رابطه را از لحاظ آماری معنادار دانست. لذا نتایج مربوط به همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۴ قابل مشاهده است که تحلیل نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که وجود همبستگی قوی‌ای بین کیفیت حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی وجود دارد (همبستگی ۰,۹۳۵ با احتمال ۰,۰۰۰). این بدین معناست که شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی بالاتری هستند معمولاً حسابرسی باکیفیت‌تری نیز دارند که نتایج آن در جدول ۴ قابل مشاهده می‌باشد. همچنین، یک همبستگی قوی بین حسابداری بخش عمومی و اهرم مالی وجود دارد (با همبستگی ۰,۹۸۳ و احتمال ۰,۰۰۰) که این امر ممکن است بیانگر آن باشد که شرکت‌هایی که استانداردهای حسابداری بخش عمومی را بهتر رعایت می‌کنند، می‌توانند به نحو مؤثرتری از اهرم‌های مالی استفاده کنند. یک نکته جالب دیگر این است که بازده حقوق صاحبان سهام، که نشان دهنده عملکرد مالی شرکت است، با اندازه شرکت همبستگی بالایی دارد (۰,۹۶۵ با احتمال ۰,۰۰۰) که می‌تواند به این معنی باشد که شرکت‌های بزرگتر ممکن است بازدهی بالاتری برای سهام‌داران خود ایجاد کنند. با وجود تمامی این همبستگی‌های قوی و معنادار، تأثیر منفی و قابل توجهی نیز بین دوگانگی مسئولیت مدیرعامل و کیفیت حسابرسی مشاهده می‌شود (همبستگی $-۰,۷۵۳$ با احتمال ۰,۰۰۰) که می‌تواند نشان دهد ساختارهای مدیریتی که در آنها مسئولیت‌ها مجزا نیستند، ممکن است به کیفیت حسابرسی لطمه بزنند. در نهایت با توجه ارتباط بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری و دوگانگی مسئولیت مدیرعامل مشاهده می‌شود که (همبستگی منفی $-۰,۶۸۹$ با ۰,۰۰۰) بیانگر آن است که اگر ساختار مدیریتی که دارای مسئولیت‌های مجزا نیستند باعث تأثیرات منفی بر فرصت‌های سرمایه‌گذاری در اثر تصمیمات ناصحیح گردد.

جدول ۴. همبستگی ارتباط بین متغیرهای پژوهش

Correlation and Probability	AUD	Dual	Gcq	Iop	Ipsas	Lev	Roa	Roe	Size
AUD	۱/۰۰۰ -----								
Dual	-.۷۵۳ ./۰۰۰	۱/۰۰۰ -----							
Gcq	.۰/۹۳۵ ./۰۰۰	-.۰/۶۸۳ ./۰۰۳	۱/۰۰۰ -----						
Iop	.۰/۷۸۵ ./۰۰۰	-.۰/۶۸۹ ./۰۰۰	.۰/۸۴۹ ./۰۰۰	۱/۰۰۰ -----					
Ipsas	.۰/۸۵۳ ./۰۰۱	-.۰/۸۹۳ ./۰۰۰	.۰/۷۲۳ ./۰۰۰	.۰/۹۶۶ ./۰۰۰	۱/۰۰۰ -----				
Lev	.۰/۶۳۸ ./۰۰۲	-.۰/۸۹۳ ./۰۰۰	.۰/۵۳۲ ./۰۰۵	.۰/۸۳۲ ./۰۰۰	-.۰/۶۳۰ ./۰۰۰	۱/۰۰۰ -----			
Roa	.۰/۷۸۵ ./۰۰۲	-.۰/۹۸۳ ./۰۰۰	.۰/۷۳۱ ./۰۰۰	-.۰/۷۵۲ ./۰۰۰	-.۰/۷۵۴ ./۰۰۰	-.۰/۷۸۳ ./۰۰۰	۱/۰۰۰ -----		
Roe	.۰/۵۹۳ ./۰۰۰	-.۰/۶۳۱ ./۰۰۰	.۰/۷۵۳ ./۰۰۱	.۰/۴۴۷ ./۰۰۰	-.۰/۹۳۰ ./۰۰۴	.۰/۶۸۳ ./۰۰۰	-.۰/۶۳۹ ./۰۰۰	۱/۰۰۰ -----	
Size	.۰/۹۶۵ ./۰۰۰	-.۰/۸۶۳ ./۰۰۲	.۰/۶۳۲ ./۰۰۰	-.۰/۶۵۸ ./۰۰۰	-.۰/۸۴۲ ./۰۰۰	.۰/۷۶۴ ./۰۰۰	.۰/۶۱۲ ./۰۰۰	.۰/۷۴۷ ./۰۰۰	۱/۰۰۰ -----

لذا پس از آن که ارتباط بین متغیرهای پژوهش و نوع تأثیراتشان بر همدیگر مشخص شد به بررسی مدل‌های پژوهش با استفاده از الگوهای یادگیری ماشین پرداخته شده است که در این بخش اولین بررسی مربوط به الگوهای درخت تصمیم می‌باشد که با استفاده از آن به بررسی فرضیه "اندازه شرکت دارای تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس عراق دارد" و "فرصت‌های سرمایه‌گذاری دارای تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس عراق دارد" پرداخته شده است. لذا نتایج درخت تصمیم برای هر دو مدل به شرح جدول ۵ نیز می‌باشد.

جدول ۵. نتایج الگوی یادگیری درخت تصمیم مدل‌های پژوهش

ردیف	(formula = roe ~ Gcq + aud + ipsas + size + lev + iop + dual)					(formula = roa ~ Gcq + aud + ipsas + size + lev + iop + dual)				
	CP	nsplit	rel error	xerror	xstd	CP	nsplit	rel error	xerror	xstd
۱	۰/۳۹۴	.	۱	۱/۰۰۶	۰/۰۹۱	۰/۵۰۴	۰	۱	۱/۰۰۵	۰/۰۸۰
۲	۰/۱۰۶	۱	۰/۶۰۵	۰/۶۹۲	۰/۰۶۱	۰/۰۹۰	۱	۰/۴۹۵	۰/۵۰۶	۰/۰۴۴
۳	۰/۰۵۳	۲	۰/۴۹۹	۰/۵۶۱	۰/۰۴۹	۰/۰۵۵	۲	۰/۴۰۴	۰/۴۳۹	۰/۰۳۷
۴	۰/۰۵۰	۳	۰/۴۴۶	۰/۵۰۱	۰/۰۴۳	۰/۰۲۶	۴	۰/۲۹۴	۰/۳۴۴	۰/۰۳۲
۵	۰/۰۱۳	۴	۰/۳۹۵	۰/۴۴۴	۰/۰۴۰	۰/۰۲۵	۵	۰/۲۶۷	۰/۳۱۷	۰/۰۳۰
۶	۰/۰۱۱	۵	۰/۳۸۱	۰/۴۵۹	۰/۰۴۲	۰/۰۱۵	۶	۰/۲۴۲	۰/۲۸۹	۰/۰۲۶
۷	۰/۰۱۰	۶	۰/۳۷۰	۰/۴۶۰	۰/۰۴۲	۰/۰۱۱	۸	۰/۲۱۱	۰/۲۷۷	۰/۰۲۶
۸						۰/۰۱۰	۹	۰/۲۰۰	۰/۲۶۶	۰/۰۲۶
۹						۰/۰۱۰	۱۰	۰/۱۸۹	۰/۲۶۶	۰/۰۲۶
۱۰						۰/۰۱۰	۱۱	۰/۱۷۹	۰/۲۷۲	۰/۰۲۶
Variable importance										
ردیف	(formula = roe ~ Gcq + aud + ipsas + size + lev + iop + dual)				(formula = roa ~ Gcq + aud + ipsas + size + lev + iop + dual)					
	Variable	Importance	MSE	Complexity param	Variable	Importance	MSE	Complexity param		
۱	size	۶۲	۰/۳۱	۰/۵۳	size	۷۷	۰/۱	۰/۵۴		
۲	iop	۲۳			iop	۱۴				
۳	lev	۱۴			lev	۶				
					Gcq	۲				

در جدول شماره ۵، دو مدل رگرسیونی درخت تصمیم به کار گرفته شده‌اند تا تأثیر عوامل متنوعی بر عملکرد مالی شرکت‌های عراقی که در بازار سهام فعالیت می‌کنند مورد بررسی قرار گیرد. مدل‌سازی اول بازده حقوق صاحبان سهام و مدل دوم بازده دارایی‌ها را به عنوان معیارهای اصلی عملکرد مالی به تصویر می‌کشد. آنچه در نتایج آشکار می‌شود، نقش پر رنگ اندازه شرکت در هر دو مدل است، که این می‌تواند بیانگر تسهیل دسترسی شرکت‌های بزرگتر به بازارهای سرمایه و بهره‌مندی از مقیاس‌های اقتصادی باشد. همین‌طور در مدل اول، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اهرم مالی به عنوان عوامل کلیدی شاخص‌های بازده حقوق صاحبان سهام شرکت شناسایی شده‌اند. در حالی که مدل دوم نشان می‌دهد کیفیت حاکمیت شرکتی، همراه با اهرم مالی یک پیش‌بینی‌کننده برای استفاده بهینه از دارایی‌های شرکت محسوب می‌شود. به طور خاص، اهمیت بالای اندازه شرکت در هر دو مدل پرتویی از اهمیت برجسته‌تر این شاخص به عنوان نماینده رشد و ثبات در بازار سهام عراق را نشان می‌دهد. این امر به این دلیل است که شرکت‌های بزرگتر به دلیل داشتن منابع فراوان‌تر و توانایی‌های مدیریتی گسترده‌تر، کارآمدتر هستند و اعتماد بیشتری را در میان سرمایه‌گذاران جلب کرده‌اند. در مقابل، تأثیر نسبتاً اندک کیفیت حاکمیت شرکتی در مدل بازده حقوق صاحبان سهام شرکت بدین معنا است که مسائل حاکمیت شرکتی در بازار عراق از دیدگاه سهامداران و بازده مورد انتظار آن‌ها کمتر دخالت دارد. بنابراین بر اساس نتایج به دست آمده، می‌توان دو فرضیه را در زمینه تأثیر اندازه شرکت و فرصت‌های سرمایه‌گذاری بر عملکرد مالی در بورس عراق مورد تحلیل قرار داد:

فرضیه اول ادعا می‌کند که "اندازه شرکت مثبت و معنادار بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس عراق تأثیر دارد." با توجه به اینکه اندازه شرکت به عنوان متغیری با بالاترین اهمیت در هر دو مدل شناخته شده است، می‌توان این فرضیه را تأیید کرد.

فرضیه دوم ادعا می‌کند که "فرصت‌های سرمایه‌گذاری مثبت و معنادار بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس عراق تأثیر دارد." با توجه به تشخیص فرصت‌های سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از متغیرهای عمده در پیش‌بینی بازده حقوق صاحبان سهام در مدل اول، می‌توان این فرضیه را نیز تأیید نمود.

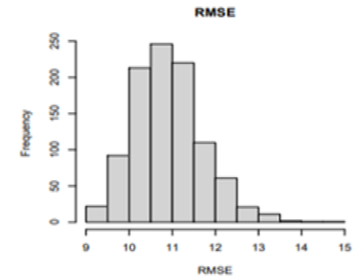
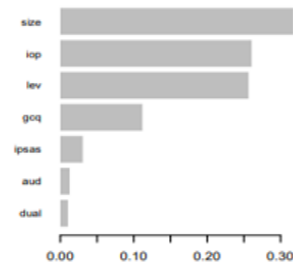
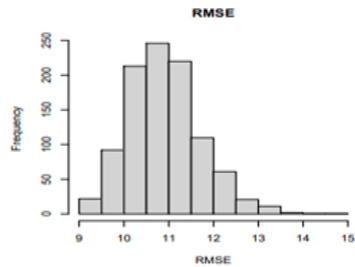
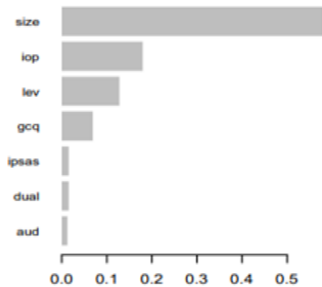
در نتیجه، این تحلیل‌ها نشان می‌دهند که شرکت‌های بزرگتر و آن‌هایی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتری دارند در بازار سهام عراق عملکرد مالی بهتری از خود نشان می‌دهند. این یافته‌ها قابل استفاده برای سرمایه‌گذاران، مدیران شرکت‌ها و سیاستگذاران در بازار سرمایه محسوب می‌شوند تا با راهبردهای دقیق‌تری به تقویت کارایی و بازده سرمایه‌گذاری‌ها پرداخته و پایداری و پیشرفت شرکت‌ها در بازار رقابتی عراق را تضمین کنند. در ادامه پس از آن که نتایج الگوهای یادگیری درخت تصمیم مشاهده شد به بررسی مدل‌های مذکور با استفاده از تکنیک یادگیری تقویت گرادیان شدید درخت تصمیم به بررسی مدل‌های پژوهش برای بررسی همان فرضیه‌ها پرداخته خواهد شد. نتایج آن به شرح جدول ۶ می‌باشد.

جدول ۶. نتایج الگوی یادگیری تقویت گرادیان شدید درخت تصمیم برای مدل‌های پژوهش

importance matrix XGboost								
ردیف	Model (ROA ~ "Gcq", "aud", "ipsas", "size", "lev", "iop", "dual")				Model (ROE ~ "Gcq", "aud", "ipsas", "size", "lev", "iop", "dual")			
	Feature	Gain	Cover	Frequency	Feature	Gain	Cover	Frequency
۱	SIZE	۰/۵۸۱	۰/۲۷۹	۰/۲۸۰	SIZE	۰/۳۱۸	۰/۲۴۵	۰/۲۲۳
۲	IOP	۰/۱۷۹	۰/۲۴۷	۰/۲۱۵	IOP	۰/۲۶۰	۰/۳۵۵	۰/۳۰۲
۳	LEV	۰/۱۲۷	۰/۱۹۷	۰/۱۸۷	LEV	۰/۲۵۶	۰/۱۷۲	۰/۱۷۱
۴	GCQ	۰/۰۶۸	۰/۱۶۱	۰/۱۶۶	GCQ	۰/۱۱۱	۰/۱۴۷	۰/۱۸۳
۵	IPSAS	۰/۰۱۵	۰/۰۴۳	۰/۰۶۰	IPSAS	۰/۰۳۰	۰/۰۳۱	۰/۰۵۱
۶	DUAL	۰/۰۱۵	۰/۰۳۳	۰/۰۳۸	AUD	۰/۰۱۲	۰/۰۲۴	۰/۰۳۹
۷	AUD	۰/۰۱۲	۰/۰۳۷	۰/۰۵۱	DUAL	۰/۰۱۰	۰/۰۲۲	۰/۰۲۷
Class: character/ Mode: character					Class: character/ Mode: character			
		Gain	Cover	Frequency		Gain	Cover	Frequency
۸	حداقل	۰/۰۱۲	۰/۰۳۳	۰/۰۳۸	حداقل	۰/۰۱۰	۰/۰۲۲	۰/۰۲۷
۹	چارک اول	۰/۰۱۵	۰/۰۴۰	۰/۰۳۳	چارک اول	۰/۰۲۱	۰/۰۲۸	۰/۰۴۵

importance matrix XGboost

ردیف	Model (ROA ~ "Gcq", "aud", "ipsas", "size", "lev", "iop", "dual")				Model (ROE ~ "Gcq", "aud", "ipsas", "size", "lev", "iop", "dual")				
۱۰	میانہ	۰/۰۶۸	۰/۱۶۱	۰/۱۶۱	میانہ	۰/۱۱۱	۰/۱۴۷	۰/۱۷۱	
۱۱	میانگین	۰/۱۴۲	۰/۱۴۲	۰/۱۴۲	میانگین	۰/۱۴۲	۰/۱۴۲	۰/۱۴۲	
۱۲	چارک سوم	۰/۱۵۳	۰/۲۲۲	۰/۲۰۱	چارک سوم	۰/۲۵۸	۰/۲۰۸	۰/۲۰۳	
۱۳	حداکثر	۰/۵۸۱	۰/۲۷۹	۰/۲۸۰	حداکثر	۰/۳۱۸	۰/۳۵۵	۰/۳۰۲	
MSE			۰/۹۸۸		MSE			۰/۸۱۳	
RMSE			۱۰/۲۲۲		RMSE			۱۰/۲۲۲	
iter	train_rmse_mean	train_rmse_std	test_rmse_mean	test_rmse_std	iter	train_rmse_mean	train_rmse_std	test_rmse_mean	test_rmse_std
۲۲	۴/۴۲۷	۰/۲۵۶	۹/۶۲۱	۱/۵۹۱	۲۲	۴/۴۲۷	۰/۲۵۶	۹/۶۲۱	۱/۵۹۱



با توجه به نتایج درج گردیده در جدول ۶ مشاهده می‌شود که مدل‌ها بر اساس دو شاخص مالی متفاوت بازده دارایی و بازده حقوق صاحبان سهام، ساخته شده‌اند. بر اساس جداول اهمیت متغیرها، می‌بینیم که در مدل بازده حقوق صاحبان سهام، متغیر اندازه شرکت بیشترین اهمیت را داشته و بیشترین پوشش (Cover) و بهره (Gain) را داراست. این موضوع نشان می‌دهد که اندازه شرکت نقش کلیدی در تعیین بازده حقوق صاحبان سهام دارد. در مقابل، در مدل بازده دارایی، اندازه شرکت در حالی که همچنان دارای بیشترین اهمیت است، اما با اختلاف زیادی بهره‌ای بیش از دو برابر نسبت به دومین متغیر مهم، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، دارد. این امر بیانگر تأثیر اندازه شرکت بر استفاده بهینه از دارایی‌ها است. فرصت‌های سرمایه‌گذاری نیز عامل مهمی در این زمینه هستند. در هر دو مدل، متغیرهایی مانند کیفیت حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی اهمیت کمتری نسبت به اندازه شرکت، اهرم مالی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری دارند. با این حال، این متغیرها همچنان اهمیت چشمگیری دارند و نباید نادیده گرفته شوند، به ویژه از آنجایی که حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی می‌توانند از طریق اثرگذاری بر اطمینان سرمایه‌گذاران و شفافیت مالی، در درازمدت بر عملکرد مالی شرکت‌ها تأثیر بگذارند. به عبارتی دیگر اولاً، در هر دو مدل، اندازه شرکت که تأثیر چشمگیری بر عملکرد مالی دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است. این بدان معناست که شرکت‌های بزرگتر ممکن است به دلیل دسترسی بهتر به منابع مالی و بازارهای سرمایه، عملکرد مالی بهتری داشته باشند.

ثانیاً، فرصت‌های سرمایه‌گذاری در هر دو مدل اهمیت دارند، اما این اهمیت در مدل مربوط به بازده دارایی بیشتر است. این موضوع بیانگر آن است که چگونه شرکت‌ها از فرصت‌های موجود برای بهبود استفاده از دارایی‌های خود بهره می‌برند که این مستقیماً بر بازده دارایی تأثیر می‌گذارد. سوماً، اهرم مالی نشان‌دهنده توانایی شرکت برای استفاده از بدهی‌ها به منظور تأمین مالی فعالیت‌های خود است و این متغیر نیز در هر دو مدل از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، که نشانه‌ای از تأثیر مهم ساختار سرمایه بر عملکرد مالی است. در مورد کیفیت حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی، اگرچه این متغیرها در مقایسه با اندازه شرکت، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اهرم مالی اهمیت کمتری دارند، اما همچنان اهمیت ذاتی خود را حفظ می‌کنند. این متغیرها تأثیر مستقیم بر شفافیت مالی و مدیریت ریسک دارند و می‌توانند به عنوان نشانه‌هایی از قابلیت اطمینان و پایداری شرکت‌ها در بازارهای مالی مورد توجه قرار گیرند. در نهایت، بررسی MSE و RMSE به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از عملکرد کلی مدل‌ها داشته باشیم. این ارزیابی معیارهای مهمی برای سنجش دقت پیش‌بینی‌های مدل‌های ما هستند. از آنجایی که این مقادیر برای هر دو مدل مشابه هستند، نتیجه می‌گیریم که هر دو مدل توانایی‌های قابل مقایسه‌ای در پیش‌بینی عملکرد مالی شرکت‌ها دارند.

این تحلیل‌ها می‌توانند به عنوان ابزاری کارآمد برای فهم بهتر دینامیک‌های مؤثر بر عملکرد مالی شرکت‌ها و بهبود تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و سرمایه‌گذاری به کار روند. بر اساس این داده‌ها، شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران می‌توانند تصمیمات آگاهانه‌تری در رابطه با استراتژی‌های سرمایه‌گذاری و مدیریت شرکتی اتخاذ کنند. در نهایت، این تحلیل بر اساس داده‌های مالی موجود ارائه شده است و می‌تواند به دلیل تغییرات در شرایط اقتصادی یا بازار متفاوت باشد. لذا پس از آن که نتایج مربوط درخت تصمیم و گرادیان تقویتی درخت تصمیم مشخص گردید، به بررسی مدل‌های پژوهش با استفاده از الگوریتم یادگیری ماشین بردار پشتیبانی و همچنین از شبکه‌های عصبی مصنوعی به بررسی نهایی مدل‌های پژوهش برای بررسی فرضیات "حاکمیت شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی شرکت‌ها دارد."، "کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی شرکت‌ها دارد." و "حسابداری بخش عمومی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی شرکت‌ها دارد." پرداخته شده است. که نتایج مربوط به این بررسی‌ها برای الگوریتم یادگیری ماشین بردار پشتیبانی به شرح جدول ۷ می‌باشد.

جدول ۷. بررسی مدل‌های پژوهش بر اساس الگوریتم یادگیری SVM

Overall statistics			
Svm (ROA ~ gcq+aud+ipsas+size+lev+iop+dual)		Svm (ROE ~ gcq+aud+ipsas+size+lev+iop+dual)	
Accuracy	۰/۸۰۰	Accuracy	۰/۸۷۲
95% CI	۰/۵۵۳ ۰/۸۹۳	95% CI	۰/۴۰۳ ۰/۸۶۱
No Information Rate	۰/۰۰۰	No Information Rate	۰/۰۰۱
P-value [Acc>NIR]	<۲/۲۵-۱۶	P-value [Acc>NIR]	<۲/۲۵-۱۶
Kappa	۰/۹۳۰	Kappa	۰/۹۰۳
Mcnemar's Test P-Value	۰/۰۰۰	Mcnemar's Test P-Value	۰/۰۰۰

نتایج حاصل از مدل ماشین بردار پشتیبانی نشان‌دهنده دقت بالایی در تحلیل تأثیر حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر روی عملکرد مالی شرکت‌ها است. دقت این مدل برای بازده حقوق صاحبان سهام برابر با ۰/۸۷۲، و برای بازده دارایی‌ها برابر با ۰/۹۰۰ بوده که نشان‌دهنده قدرت مدل در پیش‌بینی عملکرد مالی شرکت‌ها است. با ارزش‌های P-value بسیار کمتر از ۰/۰۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که مدل به صورت معناداری نسبت به حدس‌های تصادفی، دقیق عمل کرده است. فاصله‌های اطمینان برای هر دو متغیر نشان‌دهنده قطعیت در پیش‌بینی‌ها هستند، به ویژه در مدل بازده دارایی‌ها که بازه‌ی CI نسبتاً کمتری دارد و این امر بیانگر دقت مدل در این بخش است.

ضریب کاپا که معیاری برای سنجش انطباق پیش‌بینی‌های مدل نسبت به انطباق‌های تصادفی است، برای هر دو متغیر بالاتر از ۰٫۹ است و این نشان‌دهنده توانایی مدل در ایجاد توافق بین داده‌های واقعی و پیش‌بینی‌شده‌ی عملکرد مالی شرکت‌ها می‌باشد. با توجه به این نتایج، می‌توان استنباط کرد که حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی تأثیر معناداری بر عملکرد مالی شرکت‌های بورس عراق دارند. این نتایج اطلاعات ارزشمندی را برای تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران و مدیریت ارشد شرکت‌ها فراهم می‌آورد. همچنین، تأکید بر اهمیت حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی به عنوان عواملی کلیدی در تقویت پایه‌های مالی قوی و از این رو، بهبود فرصت‌ها برای پیشرفت و پایداری شرکت‌ها می‌باشد. در نهایت، این تحلیل و شواهد پشتیبانی‌کننده نشان می‌دهند که شفافیت و مدیریت خوب شرکت‌ها، همراه با رعایت استانداردهای حسابداری مؤثر، می‌توانند به ساختارهای مالی مستحکم‌تر و در نتیجه، عملکرد مالی بهبودیافته منجر شوند. این مطالعه تأیید می‌کند که متغیرهای مورد نظر نه تنها از نظر آماری قابل توجه هستند، بلکه از لحاظ اقتصادی نیز حائز اهمیت می‌باشند. لذا بر اساس آماره‌های ارائه شده در جدول ۷ می‌توان اظهار داشت که مدل ماشین بردار پشتیبان کارایی لازم در پیش‌بینی و تحلیل تأثیر حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی شرکت‌ها دارد. نتایج نشان می‌دهند که وجود یک حاکمیت شرکتی قوی و کیفیت بالای حسابرسی و استانداردهای حسابداری، می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا شفافیت مالی و کارایی عملیاتی خود را افزایش دهند، که این امور به نوبه خود بر بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر مثبت می‌گذارند.

در نتیجه‌گیری، این تحلیل آماری و نتایج مدلسازی علمی تأکید می‌کند که سرمایه‌گذاران، مدیران و ذی‌نفعان در بازارهای مالی بورس عراق باید به این عوامل به عنوان بخش‌های کلیدی در سنجش و ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها توجه داشته باشند. این یک نشانه قوی به مدیران است که یکپارچگی و شفافیت در حسابداری و حسابرسی نه تنها به تصویر کشیدن واقع بینانه‌ای از وضعیت مالی را ممکن می‌کند، بلکه پتانسیل بهبود عملکرد مالی را نیز دارد. چنین داده‌هایی در تدوین استراتژی‌های کسب‌وکار و جذب سرمایه‌گذاری نیز می‌توانند کاربردی باشند. سرمایه‌گذاران ممکن است به دنبال شرکت‌هایی با امتیازات بالاتر در زمینه‌های کیفیت حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و استانداردهای حسابداری بخش عمومی باشند، چرا که چنین شرکت‌هایی ممکن است شانس بیشتری برای کسب عملکرد مالی برتر و پایداری را داشته باشند. در نتیجه، این نتایج تأییدی بر اهمیت مدیریت دقیق و سخت‌گیرانه در حاکمیت شرکتی، ضرورت بالا بردن استانداردهای حسابداری و حسابرسی، و در نهایت، تأثیر آن‌ها بر عملکرد کلی شرکت‌ها می‌باشد. این مدل‌ها و تحلیل‌ها می‌تواند به عنوان ابزار مهمی برای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اصلاح نظام‌های مالی و حسابداری در بازار بورس عراق مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین نیاز به ارزیابی دقیق‌تر و به روزرسانی مداوم این مدل وجود دارد که بتواند به نتایج و قابل اطمینان بودن مدل توجه داشت.

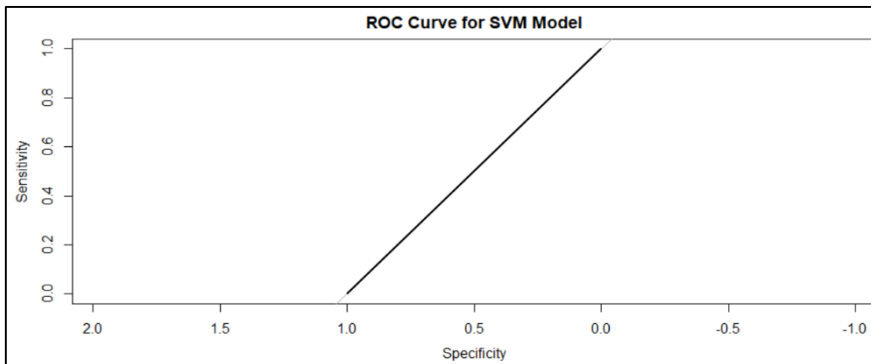
بنا به همین دلیل در ادامه به بررسی و سنجش دقت مدل می‌پردازیم که نتایج آن در جدول ۸ و نمودار ROC شماره ۱ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۸. اعتبار سنجی نهایی الگوریتم ماشین بردار پشتیبان بر اساس آمار کلاس برای مدل‌های پژوهش

Statistics by Class	Class1	Class2	Class3
Sensitivity	۰/۸۹۷	۰/۹۳۸	۱/۰۰۰
Specificity	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
Pos Pred Value	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
Neg Pred Value	۰/۶۲۲	۰/۷۲۴	۰/۸۴۷
Prevalence	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
Detection Rate	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول ۸، به بررسی تأثیر عوامل مختلف از قبیل حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس عراق پرداخته شده است. متغیرهایی چون بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام به عنوان شاخص‌های کلیدی عملکرد مالی در نظر گرفته شده‌اند و مدل مورد استفاده برای ارزیابی تأثیر عوامل مذکور، نتایج بسیار خوبی را از خود نشان داده است. با توجه به جدول ارائه شده، می‌توان مشاهده کرد که حساسیت (Sensitivity) مدل برای تمامی کلاس‌های عملکرد مالی بالا است، به این معنا که توانایی مدل در تشخیص صحیح شرکت‌هایی که واقعاً عملکرد مالی خوبی دارند بالاست. خصوصاً برای کلاس‌های ۱ و ۳ که دارای حساسیت کامل (۱,۰۰۰) هستند، نشان از کارایی بالای مدل در تشخیص دسته‌بندی‌های صحیح و عملکرد بالای شرکت‌ها دارد. از سوی دیگر، ویژگی‌های مدل نظیر ارزش پیش‌بینی مثبت (Pos Pred Value) و ارزش پیش‌بینی منفی (Neg Pred Value) نیز برای هر سه کلاس بسیار مطلوب هستند و نشان‌دهنده توانایی مدل در پیش‌بینی عملکرد صحیح شرکت‌هایی که واقعاً دارای عملکرد مالی متفاوتی هستند، می‌باشد. بالا بودن این مقادیر نشان می‌دهد که مدل در تشخیص دقیق کلاس‌های مختلف عملکرد شرکت‌ها عملکرد بسیار خوبی داشته و در زمینه‌ی پیش‌بینی شرکت‌های با عملکرد مالی پایین‌تر و بالاتر کارایی داشته‌اند. نکته قابل توجه این است که میزان شیوع (Prevalence) هر کلاس برابر با ۱,۰۰۰ می‌باشد که نشان‌دهنده این است که در داده‌های مورد مطالعه، تعداد شرکت‌ها در هر کلاس برابر بوده است. این شرایط به نحوی حساسیت مدل را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این امکان را فراهم می‌کند که تأثیر هر یک از متغیرها (کیفیت حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی، استانداردهای حسابداری بخش عموم و سایر متغیرها) بر روی کلاس‌های مختلف به طور معادل بررسی شود.

لذا پیش‌بینی‌های دقیق این مدل تأکیدی بر این نکته است که متغیرهایی چون کیفیت حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی می‌توانند به عنوان شاخص‌های قابل اعتمادی برای ارزیابی و پیش‌بینی عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس عراق عمل نمایند. این نتایج مهم نشان می‌دهند که تقویت این بخش‌ها می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا عملکرد مالی بهتری را از خود نشان دهند. نمودار ۱ هم نمایانگر این نکته نیز می‌باشد.



نمودار ۱. منحنی ROC برای ارزیابی عملکرد مدل

لذا آنگونه که از نمودار ۱ قابل مشاهده است مدل نهایی ما برای بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی از دقت کافی برخوردار می‌باشد. نمودار ۱ بیانگر نتایج مندرج در جدول ۸ نیز می‌باشد. در نهایت پس از آن که نتایج مربوط به الگوریتم ماشین بردار پشتیبانی مشخص گردید به بررسی نهایی مدل با استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی پرداخته شده است که نتایج آن به شرح جدول ۹ می‌باشد.

جدول ۹. بررسی نهایی مدل‌های پژوهش بر اساس هوش مصنوعی ANNs

formula_roe <- roe ~ Gcq + aud + ipsas + size + lev + iop + dual				formula_roa <- roe ~ Gcq + aud + ipsas + size + lev + iop + dual		
ردیف	متغیر	mean dropout loss	Label	متغیر	mean dropout loss	Label
۱	full model	۰/۸۴۴	nnet	full model	۳۳/۲۳۹	nnet
۲	ROA	۰/۸۴۴	nnet	DUAL	۳۳/۲۳۹	nnet
۳	GCQ	۰/۸۷۸	nnet	GCQ	۳۳/۲۳۹	nnet
۴	AUD	۰/۸۸۵	nnet	AUD	۳۳/۲۳۹	nnet
۵	IPSAS	۰/۸۸۷	nnet	IPSAS	۳۳/۲۳۹	nnet
۶	DUAL	۰/۸۹۳	nnet	ROE	۳۳/۲۳۹	nnet
۷	LEV	۰/۹۰۲	nnet	LEV	۳۳/۲۳۹	nnet
۸	IOP	۰/۹۱۴	nnet	IOP	۳۳/۲۳۹	nnet
۹	SIZE	۱/۰۹۴	nnet	SIZE	۳۳/۲۳۹	nnet
۱۰	baseline	۱/۱۰۶	nnet	baseline	۳۳/۲۳۹	nnet
RMSE for ROE Model		۰/۸۴۸		RMSE for ROE Model		۳۳/۲۳۹
predicted values		حداقل	حداکثر	predicted values		حداقل
		۰/۳۱۳	۰/۹۹۹			۰/۹۹۹
residuals		۳/۵۰۴	۱/۴۴۰	residuals		۹/۱

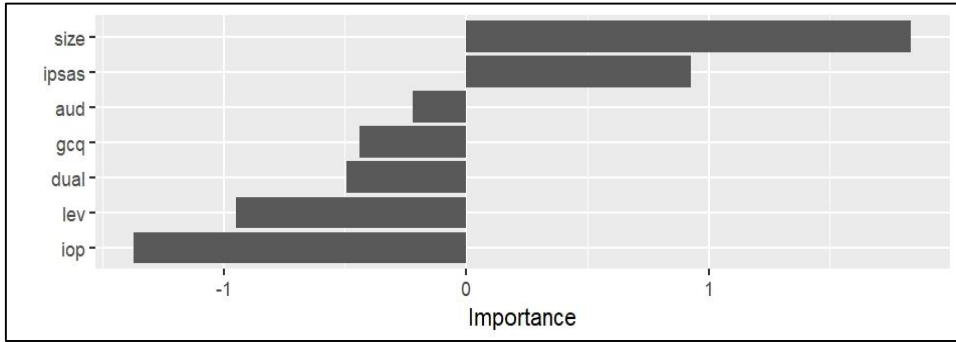
با توجه به نتایج جدول ۹ در ابتدا، به نظر می‌رسد که متغیر مرتبط با اندازه شرکت بیشترین اهمیت را در پیش‌بینی بازده حقوق صاحبان سهام دارد. این ممکن است به این دلیل باشد که شرکت‌های بزرگتر به طور معمول بهتر می‌توانند از مزایای مقیاس بهره‌مند شوند و به دلیل داشتن دسترسی بهتر به بازارهای پول و سرمایه، ریسک‌های خود را تنوع‌بخشی کنند. همچنین، برندهای بزرگتر و بازارهای بیشتر فروش می‌تواند به آن‌ها اجازه دهد که بازده‌های مالی بالاتری را تجربه کنند. از طرفی، اهرم مالی نیز نشانگر توانایی شرکت در تأمین مالی فعالیت‌های خود از طریق بدهی به جای سرمایه است. خطر مرتبط با اهرم مالی بالا این است که هر چند ممکن است بازده سرمایه‌گذاران افزایش یابد، ولی در زمان‌های رکود اقتصادی یا افت درآمدها، شرکت‌ها ممکن است با مشکلات مالی جدی روبرو شوند که این امر تأثیر منفی بر عملکرد مالی دارد.

حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی تأثیر قابل توجهی بر عملکرد مالی شرکت دارند که از طریق سازوکارهایی مانند هیئت مدیره مستقل، افشای اطلاعات دقیق و به موقع و پاسخگویی مدیران برقرار می‌شود و می‌تواند باعث ایجاد اعتماد و شفافیت برای سرمایه‌گذاران شود و در نتیجه به بهبود عملکرد کلی شرکت کمک کند.

کیفیت حسابرسی هم می‌تواند تأثیر مستقیمی بر اعتماد سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان داشته باشد، زیرا حسابرسی باکیفیت نشان می‌دهد که گزارش‌های مالی شرکت معتبر و تصویر دقیقی از وضعیت مالی شرکت ارائه می‌دهد. در نهایت، مدل حسابداری بخش عمومی که به استانداردهای بین‌المللی برای ارائه گزارش‌های مالی دقیق و قابل مقایسه برای شرکت‌های دولتی مرتبط است، هم می‌تواند به کاهش ریسک و افزایش کارایی در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری کمک کند. این نتایج به وضوح نشان می‌دهند که شرکت‌ها به منظور بهبود عملکرد مالی خود، بایستی به سرمایه‌گذاری در ساختارهای حاکمیتی و مدیریتی درخور و باکیفیت توجه ویژه‌ای داشته باشند. در یک محیط اقتصادی رقابتی، وجود ساختار حاکمیت شرکتی محکم، نه تنها می‌تواند به‌عنوان یک عامل حمایت‌کننده از منافع سهام‌داران عمل کند، بلکه می‌تواند مانع از تصمیم‌گیری‌های ناگهانی و عجولانه‌ای شود که ممکن است به اعتبار و موقعیت مالی شرکت آسیب بزنند. در ادامه بحث، یک مسئله کلیدی که از تحلیل‌های مدل‌سازی نتایج گرفته شده است، اهمیت نهادهای حسابرسی و استانداردهای حاکمیت شرکتی است که چگونه باعث ایجاد زیربنایی محکم برای تضمین سلامت و پایداری مالی شرکت‌ها می‌شوند. لذا این نتایج نه تنها نکات برجسته‌ای از وضعیت فعلی بازار بورس عراق را پیش روی ما قرار می‌دهند، بلکه حکایت از یک الگوی جهانی دارند که در آن، معیارهای قابل اتکای مالی و حسابداری، منجر به تقویت بازارهای سرمایه و افزایش اعتمادگری در میان ذی‌نفعان می‌شوند.

مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی مانند شفافیت، ارزیابی و مدیریت ریسک و پاسخگویی، از اصول اساسی هستند که سرمایه‌گذاران را قادر می‌سازند تا تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌ای داشته باشند. این عوامل به طور مستقیم روی اعتماد سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارند و اهمیت وجود سیستم‌های مدیریتی قوی و کارآمد را برای رسیدن به موفقیت‌های مالی نشان می‌دهند. علاوه بر این، نقش راهبردی حسابداران و حسابرسان برای اطمینان از اینکه همه تراکنش‌ها و فعالیت‌های مالی به درستی گزارش و ثبت شده‌اند، بسیار حیاتی است. درک صحیح و به موقع از وضعیت مالی شرکت می‌تواند به جلوگیری از بحران‌های مالی کمک کند و استانداردهای بین‌المللی مانند استانداردهای حسابداری بخش عمومی بستری را فراهم می‌آورند که در آن تمامی اطلاعات مالی می‌توانند به صورت قابل مقایسه و به روشی قابل فهم برای همگان ارائه شوند. در نهایت، حاکمیت شرکتی، حسابرسی و استانداردهای حسابداری، نقش‌های مشخصی را در کنترل کیفیت و پایداری شبکه‌های مالی ایفا می‌کنند. این سه پایه به عنوان نظامی برای حمایت از سلامت مالی شرکت‌ها و اطمینان بخشیدن به تمام ذی‌نفعان فعال در بازار بورس عمل می‌کنند. به علاوه، برای شرکت‌های جویای رشد و موفقیت در بازارهای مالی، لازم است تا نه تنها بر پایداری به این اصول تأکید کنند، بلکه به ارتقای مداوم فرهنگ سازمانی و سیستماتیک خود در این زمینه‌ها پردازند.

همه‌ی این عوامل بیانگر تأیید هر سه فرضیه پژوهش یعنی تأثیر حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی شرکت‌های عراقی پذیرفته شده در بورس عراق می‌باشد. نمودار ۲ نیز تأیید کننده این موضوع می‌باشد.



نمودار ۲. بررسی نموداری ANNs برای مدل‌های پژوهش

با توجه به نتایج نمودار ۲ قابل بیان است که تمامی متغیرهای پژوهش باعث بهبود عملکرد مالی شده و فرضیات پژوهش نیز پذیرش می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

مطالعه انجام شده بر روی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس عراق، تأکید قوی‌ای بر تأثیرات متغیرهایی چون حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی آن‌ها دارد. همبستگی‌های قوی که بین کیفیت حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی، حسابداری بخش عمومی و اهرم مالی با اندازه شرکت و بازده حقوق صاحبان سهام مشاهده شده، نشان دهنده وجود ارتباط معناداری از لحاظ آماری است. با توجه به نتایج به دست آمده از الگوهای یادگیری ماشین، از جمله درخت تصمیم و تقویت گرادیان، اندازه شرکت به عنوان متغیری با اهمیت برجسته در پیش‌بینی عملکرد مالی شامل استانداردهای حسابداری بخش عمومی و بازده دارایی‌ها شناخته شده است. این نشانگر این است که شرکت‌های بزرگتر به دلیل فرصت‌های بیشتر در دسترسی به بازارهای سرمایه و بهره‌مندی از مقیاس‌های اقتصادی ممکن است عملکرد بهتری داشته باشند. علاوه بر آن، فرصت‌های سرمایه‌گذاری نیز یکی از متغیرهای کلیدی در پیش‌بینی بازده دارایی‌ها معرفی شده، که نشان می‌دهد توانایی شرکت‌ها در استفاده بهینه از دارایی‌ها بر روی عملکرد مالی‌شان تأثیر مستقیم دارد. از سوی دیگر، دوگانگی مسئولیت مدیرعامل نیز به عنوان یک عامل منفی در نظر گرفته شده که می‌تواند بر کیفیت حسابرسی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری اثرگذار باشد و نشان‌دهنده این است که تمرکز بر تفکیک مسئولیت‌ها می‌تواند به بهبود عملکرد مالی کمک کند.

در زمینه حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی، اگرچه نسبت به برخی متغیرهای دیگر مانند اندازه شرکت و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، از اهمیت کمتری برخوردار بودند، باز هم تأثیر قابل توجهی بر عملکرد مالی داشتند. این متغیرها بر شفافیت مالی و مدیریت ریسک تأثیرگذار بوده و می‌توانند در درازمدت به عنوان نشانه‌هایی از قابلیت اطمینان و پایداری در بازارهای مالی در نظر گرفته شوند. بر اساس تحلیل و بررسی‌های انجام شده با استفاده از الگوریتم یادگیری ماشین پشتیبانی و شبکه‌های عصبی مصنوعی، شواهد محکم و قابل توجهی از تأثیر مثبت حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس عراق به دست آمده است. دقت بالای مدل ماشین بردار پشتیبانی در پیش‌بینی بازده حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی‌ها، همراه با P-value های بسیار پایین و فاصله‌های اطمینان کوچک، نشان‌دهنده توان این مدل در ارزیابی دقیق تأثیر این عوامل است. ضریب کاپا نیز بالاتر از ۰٫۹ است که توافق بالایی بین داده‌های واقعی و پیش‌بینی شده را نشان می‌دهد. لذا نتایج بدست آمده از شبکه‌های عصبی مصنوعی نیز تأکیدی بر اهمیت و تأثیر عوامل مذکور در مدل‌سازی عملکرد مالی می‌باشد.

نکات برجسته‌ی این پژوهش شامل نقش حیاتی حاکمیت شرکتی در ایجاد شفافیت و اعتماد برای سرمایه‌گذاران، اهمیت کیفیت حسابرسی در تصویر دقیق وضعیت مالی شرکت‌ها و کاربرد استانداردهای حسابداری بخش عمومی در بهبود تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری است. با در نظر گرفتن مؤلفه‌های اساسی حاکمیت شرکتی و نقش‌های راهبردی حسابداران و حسابرسان، این پژوهش به خوبی ایجاد زیربنایی محکم را برای تضمین سلامت و پایداری مالی شرکت‌ها برجسته کرده است. تحلیل‌های دقیق از شبکه‌های عصبی مصنوعی نشان دهنده‌ی پذیرش فرضیات پژوهش هستند که بیانگر تأیید تأثیر مثبت حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی در افزایش کارایی عملیاتی و شفافیت مالی شرکت‌ها می‌باشد، که به نوبه‌ی خود بر شاخص‌های کلیدی عملکرد مالی مانند بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر مثبت گذاشته است. نتیجه‌گیری کلی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران، مدیران و سایر ذی‌نفعان مالی باید به این سه متغیر به دیده‌ی کلیدی نگاه کنند و در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اصلاح نظام‌های مالی و حسابداری شرکت‌ها، باید به این عوامل توجه ویژه‌ای داشته باشند. جمع‌بندی نتایج حاکی از آن است که شرکت‌های عراقی با تمرکز بر تعالی در حاکمیت شرکتی، استانداردهای حسابداری بخش عمومی، کیفیت حسابرسی و با بهره‌گیری از ساختارهای مدیریتی مؤثر، می‌توانند عملکرد مالی بهتری داشته باشند. این نتایج می‌توانند به مدیران شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌تر در سرمایه‌گذاری‌های خود کمک کنند. بنابراین نتیجه‌گیری حاضر با مطالعه ادرین و اکووم (۲۰۱۵) همسو است، زیرا هر دو پژوهش تمرکز خود را بر تأثیر حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و عملکرد مالی شرکت‌ها دارند.

این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این عوامل مهم می‌توانند بر عملکرد سرمایه‌گذاری و شفافیت مالی تأثیر قابل توجهی داشته باشند و به بهبود کلی عملکرد مالی و اعتماد سرمایه‌گذاران کمک کنند. همچنین، هر دو مطالعه به اهمیت عواملی چون اندازه شرکت و فرصت‌های سرمایه‌گذاری تأکید کرده‌اند و یافتند که این عوامل در پیش‌بینی عملکرد مالی شرکت‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند.

پژوهش کوماری و پانایاک (۲۰۱۷) نیز به نوعی با نتایج مطالعه‌ای همراستا است زیرا این پژوهش نیز رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی را مورد بررسی قرار داده، اما تمرکز اصلی آن بیشتر بر روی مدیریت درآمد در صنعت بانکداری است. اگرچه حوزه تمرکز و صنایع مورد مطالعه در این دو مطالعه متفاوت است، اما در هر دو تأکید بر اهمیت حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر عملکرد مالی مشترک است. در مقابل، مطالعه عبید (۲۰۱۶) و اگبودو و آکابوگو (۲۰۱۸) به مسائل محدودتر و جزئی‌تری می‌پردازند و به طور خاص بر روی استانداردهای حسابداری بین‌المللی و کیفیت حسابداری بر عملکرد بانک‌ها تمرکز دارند. حال آنکه نتیجه‌گیری بالا بر روی مجموعه‌ای از متغیرهای حاکمیت شرکتی فراتر از کیفیت حسابداری به تنهایی تأکید دارد.

نتایج پژوهش حاضر با مطالعات بالدو و نوملا (۲۰۱۹) همراستا است زیرا هر دو پژوهش به نقش حیاتی کیفیت حسابداری و حاکمیت شرکتی در بهبود ارزش و عملکرد شرکت‌ها تأکید دارند. همچنین، این مطالعه از الزامات کیفیت حسابداری و حکومت شرکتی استفاده می‌کند تا به تحلیل و پیش‌بینی عملکرد شرکت‌ها بپردازد، که منعکس‌کننده نتایج بالدو و نوملا است. علاوه بر این، با پژوهش کاواس و همکاران (۲۰۲۱) نیز هم‌سویی دارد، زیرا هر دو به ارزیابی تأثیر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی و عملکرد شرکت‌ها می‌پردازند. هر دو مطالعه بر اهمیت این فاکتورها برای بهبود عملکرد مالی تأکید دارند و از تحلیل‌های آماری برای ارزیابی این تأثیرات استفاده می‌کنند. نتایج پژوهش حاضر در پژوهش الاحدال و همکاران (۲۰۲۰) که بر نقش حیاتی حکومت شرکتی و تأثیر آن بر فرهنگ شرکتی تأکید دارد، نیز منعکس شده است. همچنین، تأکید بر تأثیر این مؤلفه‌ها بر شفافیت و مدیریت ریسک از نظرات اصلی در هر دو مطالعه است.

۱.۵. پیشنهادات پژوهش

بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده از مطالعات انجام شده بر روی شرکت‌های بورسی عراق و ارتباط آن‌ها با موضوعاتی مانند حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابداری، و حسابداری بخش عمومی، می‌توان پیشنهادات سیاسی زیر را مطرح کرد به منظور بهبود زیرساخت‌های اقتصادی و مالی:

- ۱- تقویت نظام‌های حاکمیت شرکتی: دولت‌ها و نهادهای نظارتی باید سیاست‌هایی را در پیش بگیرند که استانداردهای بالایی حاکمیت شرکتی را تضمین کنند. به عنوان مثال، می‌توانند از شرکت‌های بورسی درخواست کنند تا ساختارهای شفاف و مدیریتی مؤثرتری را بکار ببرند.
- ۲- توسعه و اجرای استانداردهای حسابداری دقیق: باید تلاش شود استانداردهای حسابداری بخش عمومی در سطح ملی بهبود یافته و منطبق بر استانداردهای بین‌المللی شوند تا شفافیت و اعتماد داخلی و بین‌المللی به بازار مالی افزایش یابد.
- ۳- تقویت نهادهای حسابرسی: برای اطمینان از کیفیت حسابرسی، باید ساختارهای نظارتی مناسبی برای نهادهای حسابرسی وجود داشته باشد تا کیفیت گزارش‌های مالی حفظ و ارتقاء یابد.
- ۴- تشویق به استفاده از فناوری‌های جدید: دولت و سازمان‌های مرتبط می‌توانند شرکت‌ها را به استفاده از فناوری‌هایی مانند یادگیری ماشین و هوش مصنوعی برای تحلیل داده‌ها و بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی تشویق کنند.
- ۵- ترویج دوباره ارزیابی ساختارهای مدیریتی: با توجه به نتایج حاصل از مطالعات، لزوم بررسی و ایجاد تغییرات در ساختارهای مدیریت شرکتی و فرآیندهای تصمیم‌گیری به منظور افزایش عملکرد و رقابت‌پذیری شرکت‌ها اهمیت دارد.
- ۶- افزایش همکاری‌های بین‌المللی: جهت دستیابی به بهترین شیوه‌ها و تعادل‌بخشی به معیارهای حسابرسی و حسابداری، دولت باید همکاری‌هایی را با نهادهای بین‌المللی و سایر کشورها ایجاد کند. هر یک از این پیشنهادات می‌توانند به افزایش شفافیت، مدیریت ریسک و بهبود کلی عملکرد مالی شرکت‌ها در بازارهای مالی کمک کرده و به نوبه خود پایه‌ای محکم برای اقتصاد پایدار و رشد اقتصادی بلندمدت ایجاد کنند.

منابع

- ابراهیمی، سعید؛ فرجی، امید؛ عرب زاده، میثم؛ ایزدپور، مصطفی؛ محمدرضائی، فخرالدین. (۱۴۰۲). ساختار مالکیت، عدم اطمینان سیاسی و رفتار نامتقارن هزینه‌ها. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۵(۵۹).
پورحسینی، س. م؛ حصار، ح؛ حصارزاده، ر؛ عباس زاده، م. ر؛ خلیلی، م. (۱۴۰۰). استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، شاخص‌های حکمرانی خوب و سطح ارتکاب جرایم: شواهدی تجربی از ۳۰ کشور جهان. دانش حسابرسی، ۲۱(۸۵).
ثقفی، علی؛ معتمدی فاضل، مجید. (۱۳۹۰). رابطه میان کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با امکانات سرمایه‌گذاری بالا. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳(۴)، ۱-۱۴.
خواجوی، شکراله؛ ابراهیمی، مهرداد. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی در تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۶(۲).

- غلامی، ملک محمد؛ فخاری، حسین؛ ملکیان کله بستی، اسفندیار. (۱۴۰۱). زمینه‌یابی سودمندی استانداردهای حسابداری بخش عمومی در ایران. دانش حسابداری مالی، ۹(۱)، ۲۹-۵۴.
- قائمی، محمدحسین؛ علوی، سیدمصطفی. (۱۳۹۱). رابطه بین شفافیت اطلاعات حسابداری و موجودی نقد. حسابداری مدیریت، ۵(۱۲)، ۶۷-۷۸.
- کردستانی، غلامرضا؛ رحیمیان، نظام الدین؛ شهرابی، شاهرخ. (۱۳۹۵). شناسایی موانع گذار به حسابداری تعهدی در بخش عمومی. دانش حسابرسی، ۱۶(۶۵).
- مظاهری، صدیقه؛ ابراهیمی کهریز سنگی، خدیجه؛ آقایی چادگانی، آرزو. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی ترکیب مومنتم دوگانه قیمت و بنیادی در شرکت‌هایی با سطوح متفاوت بنیادی برای استراتژی بردگان و بازندگان بازار سرمایه. نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۴(۱)، ۶۱-۸۰.
- مولاوردی، نغمه؛ وکیلی فرد، حمیدرضا؛ بشکوه، مهدی. (۱۴۰۱). نقش صورت ارزش افزوده در گزارشگری یکپارچه در راستای تئوری ذینفعان. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۱(۴۲)، ۹۷-۱۰۶.
- نمازی، محمد؛ بایزیدی، انور؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۳(۹)، ۲۱-۴۳.
- نمازی، ن؛ اسماعیل پور، ح. (۱۴۰۰). تأثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش افزوده شرکت‌ها با تأکید بر نقش میانجی مسئولیت اجتماعی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۳(۵۲)، ۱۱۵-۱۵۰.
- Abdullah, H., & Tursoy, T. (2023). The Effect of Corporate Governance on Financial Performance: Evidence from a Shareholder-Oriented System. *Interdisciplinary Journal of Management Studies*, 16(1), 79-95.
- Al-ahdal, W. M., Alsamhi, M. H., Tabash, M. I., & Farhan, N. H. S. (2020). The impact of corporate governance on financial performance of Indian and GCC listed firms: An empirical investigation. *Research in International Business and Finance*, 51, 101083.
- Asiabii Aghdam, L., Rahimzadeh, A., & Rajaei, Y. (2022). The effect of economic variables on the behavior of stock prices of companies admitted to the stock exchange. *Financial Economics*, 16(59), 105-126.
- Baldavoo, K., & Nomlala, B. C. (2019). Audit Quality and Corporate Governance as Determinants of Banks' Performance in Ghana. *Acta Universitatis Danubius. (Economica)*, 15(7), 228-242.
- Boukheroua, E. B., Shabsigh, G., AlAjmi, K., Deodoro, J., Farias, A., Iskender, E. S., Mirestean, A. T., & Ravikumar, R. (2021). Powering the Digital Economy: Opportunities and Risks of Artificial Intelligence in Finance. *International Monetary Fund*, 34. ISBN: 9781589063952. ISSN: 2616-5333
- DeAngelo, L. E. (1981). Auditor Size and Audit Quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3(3), 183-199.

- Defond, M. L. (1992). The association between changes in client firm agency costs and auditor switching. *Auditing*, 11(1), 16-31.
- DeFond, M., & Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics*.
- Doz, Y., Prahalad, C. (1984). Patterns of Strategic Control Within Multinational Corporations. *J. Int. Bus. Stud.*, 15, 55-72.
- Ebaid, I. E. S. (2016). International accounting standards and accounting quality in code-law countries: The case of Egypt. *Journal of Financial Regulation and Compliance*, 24(1), 41-59.
- Edirin, J., Ekwueme, C. M., & Edesiri, O. G. (2015). Corporate governance, financial performance and audit quality of listed firms in Nigeria. *Journal of Academic Research in Economics*, 7(2), 220-231.
- Gaio, C., & Raposo, C. (2011). Earnings Quality and Firm Valuation: International Evidence. *Accounting and Finance*, 51, 467-499.
- Jamshidi, R., Barzegar, B., & Mohseni, A. (2023). Explanation and Validation of Effective Factors in the Tax Audit Quality Improvement model. *Financial Economics*, 17(64), 45-74.
- Kaawaase, T.K., Nairuba, C., Akankunda, B., & Bananuka, J. (2021). Corporate governance, internal audit quality and financial reporting quality of financial institutions. *Asian Journal of Accounting Research*, 6(3), 348-366.
- Khojasteh, A., & Vadi Zadeh, K. (2022). The role of fraud prevention of internal controls and internal audit unit. *Journal of Public Administration Research*, 2(5).
- Kumari, P., & Pattanayak, J.K. (2017). Linking earnings management practices and corporate governance system with the firms' financial performance: A study of Indian commercial banks. *Journal of Financial Crime*, 24(2), 223-241.
- Megginson, W. L., Nash, R. C., & Van Randenborgh, M. (1994). The financial and operating performance of newly privatized firms: An international empirical analysis. *Journal of Finance*, 49, 403-452.
- Ogbodo, O. C., & Akabuogu, N. J. (2018). Effect of Audit Quality on the Financial Performance of Selected Banks in Nigeria. *International Journal of Trend in Scientific Research and Development*, 3(1), 99.
- Onuorah, A. C., & Imene, O. F. (2016). Corporate Governance and Financial Reporting Quality in Selected Nigerian Companies. *International Journal of Management Science and Business Administration*, 2(3), 7-16.
- Palmrose, Z. (1988). An analysis of auditor litigation and audit service quality. *The Accounting Review*, 189-199.
- Polzer, T., Adhikari, P., Nguyen, C.P., & Gårseth-Nesbakk, L. (2023). Adoption of the International Public Sector Accounting Standards in emerging economies and low-income countries: A structured literature review. *Journal of Public Budgeting, Accounting & Financial Management*, 35(3), 309-332.
- Titman, S., & Trueman, B. (1986). Information Quality and the Valuation of New Issues. *Journal of Accounting and Economics*, 5(2), 159-172.
- Zattoni, A. (2011). Who Should Control a corporation? Toward a Contingency Stakeholder Model for Allocating Ownership Rights. *Journal of Business Ethics*, 103(2), 255-274.